

Comparative Study of Crime Spatial Patterns in Urban and Pre-Urban Areas by Applying Meta-Synthesis

Gholamreza Kazemian 

Associate Professor in Urban Management,
Allameh Tabataba'i University, Tehran, Iran

Jamshid Akbari *

Master of Urban Management, Allameh
Tabataba'i University, Tehran, Iran

Abstract

The change in spatial development patterns from agriculture life into industry and then, service sector, and in response, changes in spatial paradigms of settlement and development, has led to concentration of population and resources of development in cities and mega cities. This concentration is followed by contradictions and conflicts in interests and behavior which can be a contextual preparation for crime along with making improvement in higher degrees of quality in life, especially when physical development of city lacks a comprehensive spatial planning. Thus, this research aimed to study crime patterns and its spatial analysis in urban and peri-urban areas and their application urban planning. On a descriptive-analytical approach and by applying meta-synthesis, it investigates prior research articles on related domain. Results show that factors such as population density and social ecology can prepare opportunities for crime, but different communities respond to such opportunities in different patterns. Comparing results within Iranian cities to other global locations made it clear that the research on patterns of crimes in Iranian cities is distinct from foreign countries' cities both in terms of form and content. The results and conclusions of this article can be used by urban planners and managers in formulation and implementation of spatial plans and policies especially for high-risk areas.

Keywords: Crime, Urban Area, Urban Management, Urban Planning, Meta-Synthesis.

* Corresponding Author: Jamshid_Akbari@atu.ac.ir

How to Cite: Kazemian, Gh., Akbari, J. (2022). Comparative Study of Crime Spatial Patterns in Urban and Pre-Urban Areas by Applying Meta-Synthesis, *Journal of Urban and Regional Development Planning*, 7(22), 45-86.

بررسی تطبیقی توزیع فضایی جرم در محدوده‌های شهری و پیراشهری با روش فراترکیب

دانشیار مدیریت شهری، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران

✉ غلامرضا کاظمیان

کارشناس ارشد مدیریت شهری، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران

* ✉ جمشید اکبری

چکیده

حرکت از زندگی کشاورزی به صنعت و سپس خدمات و تحول در الگوهای فضایی توسعه و اسکان، شهرها و کلان‌شهرها را به‌مثابه مراکز تجمع جمعیت و تمرکز منابع توسعه مطرح نمود. این تمرکز در فضا و سرزمین که ناگزیر از تنوع، تضاد و تعارض در ترکیب، منافع و رفتار بازیگران است، علاوه بر ارتقای کیفیت زندگی می‌تواند بستری برای شکل‌گیری جرم باشد. پیامدهای این بسترسازی به‌ویژه در مواردی که رشد کالبدی بدون برنامه‌ریزی فضایی باشد، بیشتر نمایان می‌شود. این پژوهش باهدف بررسی الگوهای فضایی جرائم در محدوده‌های شهری و پیراشهری و استفاده از آن در برنامه‌ریزی شهری انجام گرفته است. رویکرد پژوهش، توصیفی-تحلیلی و روش آن، فراترکیب است. نتایج مؤید این هستند که عواملی همچون تراکم جمعیت و اکولوژی اجتماعی می‌توانند فرصت‌هایی برای ارتکاب جرم ایجاد نمایند، اما رفتار اجتماعات مختلف در مواجهه با این فرصت‌ها از الگوی ثابتی پیروی نمی‌کند. مقایسه‌ی وضعیت شهرهای ایران و دیگر نقاط جهان روشن نمود که بررسی پراکندگی جرائم توسط پژوهشگران داخلی و خارجی به لحاظ شکلی و محتوایی متفاوت بوده و رویکرد تحقیقات خارجی، کاربردی‌تر است. نتایج می‌توانند در تدوین سیاست‌ها و برنامه‌های توسعه شهری و اقدامات اجرایی برای ارتقای امنیت شهری مورد توجه قرار گیرند.

کلیدواژه‌ها: جرم، نواحی شهری، مدیریت شهری، برنامه‌ریزی شهری، فراترکیب.

مقدمه

تحولات گسترده اقتصادی، سیاسی و اجتماعی که از انقلاب صنعتی آغاز شده، در میانه قرن بیستم و پس از گذاران دو جنگ جهانی به اوج رسیده و سپس در تکاپوی توسعه دانش و فن‌آوری صورتی نوگرایانه به خود گرفت و بشر را با سرعتی چشمگیر به سمت شهرنشینی سوق داد. بنا بر اعلام سازمان ملل متحد، امروزه حدود ۵۵ درصد از جمعیت جهان در شهرها زندگی می‌کنند (UN, 2018). حجم اقتصاد با شمول صنایع مدرن و خدمات گسترده کلانشهری به سرعت رو به گسترش است و هر روز محصولات، خدمات و بازارهای جدید را معرفی می‌کند. این سبک زندگی، بازتعریفی از نیازهای انسانی را به همراه خود دارد؛ نیازهایی که به صورت پیوسته و مکرر هم از منظر کیفیت و هم از منظر کمیت توسعه می‌یابند؛ اما در میان هزاران شهر کوچک و بزرگ در سرتاسر دنیا، آنهایی که مصادیق وجوه عالی ثروت، قدرت و منزلت هستند، بیش از دیگر شهرها این تحول بزرگ را به دوش می‌کشند. کلان‌شهرها هم شاهد تحولات بزرگ در سبک زندگی بشر هستند و هم موتور محرکی برای آن. از این رو آن‌ها را می‌توان هم به‌عنوان فرصتی برای رشد اقتصادی و توسعه کیفیت زندگی بشر دانست و هم تهدیدی برای انواع آسیب‌های کهنه و نوظهور.

شهرها در حالت عام و کلان‌شهرها در حالت خاص به دلیل ماهیت اجتماعی، جمعیتی و فضایی، بستری برای بروز و نمایش بیرونی انواع جرائم، آسیب‌ها و انحرافات اجتماعی در فضاها عمومی و اختصاصی هستند. هم‌زمان با گسترش فیزیکی شهرها، مشکلاتی مانند تراکم جمعیت و ترافیک، آلودگی هوا، آلودگی‌های صوتی و بصری هم خود گونه‌هایی از عدم تناسب و آسیب هستند و هم می‌توانند زمینه‌ساز تحولاتی باشند که منجر به جرائم متنوع شوند.

جرائم شهری بخشی از کج‌روی‌ها و ناهنجاری‌های اجتماعی بوده و به‌عنوان مانعی در راه تأمین انتظام و تعادل شهری می‌توانند با ایجاد حس ناامنی و احساس خطر مورد تعرض قرار گرفتن، تهدیدکننده‌ی حضور مردم در فضای عمومی شهر باشند (مدیری، ۱۳۸۵):

(۱۲)؛ بنابراین می‌توان گفت جرائم شهری با درجه توسعه شهر ارتباط دارند (ذوالفقاری و شایگان، ۱۳۹۰: ۳) و تحولات توسعه‌ای در شهر می‌توانند در کاهش یا افزایش میزان نسبت جرائم به جمعیت مؤثر باشند. بررسی‌ها نشان می‌دهند که شهرسازی و معماری با میزان وقوع جرم ارتباط دارند. به‌عنوان نمونه، محیط‌های شهری کم تردد و تاریک می‌توانند به محل تجمع معتادان و محل مناسبی برای خریدوفروش مواد مخدر یا اموال مسروقه تبدیل شوند؛ بنابراین، رابطه فضا و محیط شهری با رفتارهای اجتماعی منفی و ناهنجار در بررسی جغرافیایی جرائم شهری اهمیت دارد (اشکیتی و خداکرمی، ۱۳۹۸: ۷۰۸). از این رو، رویکردهای برنامه‌ریزی شهری و برنامه‌ریزی کاربری زمین مرتبط با آن نقش اساسی و کاربردی در اصلاح و تغییر شرایط محیطی دارند که می‌تواند منجر به حذف فرصت‌های مکانی برای جرم و بزهکاری شود (ارغان، ۱۳۹۵: ۱۱۲). تحقیقات متنوع صورت گرفته نشانگر این واقعیت هستند که بخش‌ها و مناطق گوناگون شهر شاهد میزان متفاوتی از آمار جرم هستند. به‌عنوان مثال، پژوهش لینینگ (۲۰۱۵: ۵۴۶) مشخص کرده است که در طول یک بازه ۱۶ ساله، حدود ۴۰ درصد خیابان‌های کلان‌شهر ونکوور در ایالت بریتیش کلمبیای کانادا ابدأ شاهد هیچ گونه جرمی نبوده‌اند.

مطالعه تحقیقات متنوع صورت گرفته در خصوص توزیع جرم در نواحی شهری منجر به شناسایی دو مسئله حائز اهمیت می‌شود: نخست، پراکندگی محتوایی و جغرافیایی. این ویژگی، جامعیت تحقیقات را زیر سؤال برده و باعث می‌شود راهکارهای پیشنهادی آن‌ها در شرایطی متفاوت از شرایط موردبررسی کاربردی نباشند. مسئله دوم، پیش‌دآوری‌های صورت گرفته توسط پژوهشگران و مدیران در مواجهه با جرائم بوده که خود به‌نوعی متأثر از مسئله اول و بسط نادرست راه‌حل‌های ارائه‌شده برای موقعیتی خاص به دیگر موقعیت‌ها است و ممکن است مدیران شهری را به‌سوی اتخاذ تصمیماتی هدایت کند که نه تنها منجر به کنترل جرم نشوند بلکه روند توزیع و گسترش آن را تسریع و تسهیل نمایند.

از این رو، شناسایی و تحلیل پراکنش فضایی جرم در محدوده‌های شهری با رویکردی جامع از طریق ترکیب و تحلیل یافته‌های پژوهش‌های متنوع ضروری به نظر می‌رسد، زیرا ترکیب یافته‌ها و تحلیل جامع آن‌ها از گرفتار شدن در دامن قضاوت‌های

نادرست و اتخاذ تصمیمات نابه‌جا نجات می‌دهد. پژوهش پیش رو بر آن است که از طریق فراترکیب پژوهش‌های پیشین، دو مسئله فوق را تحلیل نماید. سؤال اصلی پژوهش این است که توزیع فضایی جرائم در محدوده‌های شهری و پیراشهری ایران و جهان چگونه است؟ پاسخ به این پرسش، می‌تواند فرصتی برای مقابله با تجمع جرائم در برخی نقاط شهری و ظهور کانون‌های جرم‌خیز فراهم نموده و راه را برای تصمیمات مقتضی مدیران شهری و لحاظ نمودن الزامات پیشگیری و مواجهه با جرائم در برنامه‌ریزی آتی برای شهرها هموار نماید.

چارچوب نظری

در بررسی جغرافیایی جرائم شهری، چهار عامل قانون، مجرم، قربانی جرم و مکان جرم بسیار مورد توجه هستند. قانون به معنی مجموعه ضوابطی است که برای نظم و نسق بخشیدن به نوع و شکل رفتار و اعمال انسانی در روابط افراد جامعه، دولت و مردم و سازمان‌ها با یکدیگر وضع می‌شود. مجرم، فردی است که مرتکب یکی از جرائم تصریح شده در قانون شود. قربانی جرم، می‌تواند شیء (مال منقول یا غیرمنقول) و یا فردی از افراد اجتماع باشد که هدف مجرم واقع شده است. مکان جرم، محدوده خاص زمانی و مکانی است که واقعه مجرمانه در آن رخ داده است (پورا احمد و همکاران، ۱۳۸۲: ۸۴).

تحلیل فضایی به معنی تفسیر تأثیر عوامل کالبدی، اجتماعی، اقتصادی و محیط زیستی بر نحوه پراکنش فعالیت‌های انسانی در مکان‌های مختلف بوده و امکان سازمان‌دهی فضا را فراهم می‌کند. الگوی فضایی وقوع برخی جرائم شباهت‌های بسیاری با هم دارد. به‌عنوان مثال، دزدی و سرقت بیشتر در مناطقی از شهرها رخ می‌دهد که کاربری آن‌ها عمدتاً تجاری باشد. شیوه و تعداد رخداد سرقت در مناطقی که کاربری مختلط دارند نیز تا حدودی از الگوهای مشابه پیروی می‌کنند؛ اما این شباهت در بسیاری از انواع دیگر جرم محسوس نیست. در مورد این جرائم برخی ملاحظات نظری قابل توجه هستند. نقش فرصت‌های جرم و سیاست‌های حاکم بر عدالت در رسیدگی قضایی از جمله نظریاتی هستند که باید مورد توجه قرار گیرند (De Melo, 2015: 314). اثرگذاری زمینه‌های

فرهنگی بر جرم و اهمیت پیوند اجتماعی میان همسایگان نمونه‌ای دیگر از عواملی هستند که می‌توانند هم بر تعداد و هم بر نوع جرم و میزان خشونت ضمیمه آن تأثیرگذار باشند (Quick et al., 2018: 23).

بیش از ۱۵۰ سال است که تحقیقات جهانی برای شناسایی تغییرات جغرافیایی در نرخ جرم انجام می‌شوند. اشکیتی و خداکرمی (۱۳۹۸: ۷۰۸) نظریه‌های مرتبط با پراکندگی جرائم شهری و رابطه تراکم جمعیت با نوع و میزان جرائم را به سه دسته تقسیم نموده‌اند: ۱. نظریه کانون‌های جرم‌خیز؛ ۲. نظریه ارتباط جرم با تراکم جمعیت؛ ۳. نظریه بوم‌شناختی و جمعیتی.

واژه مکان‌های جرم‌خیز، اولین بار توسط شرمن، گارتین و برگر مورد استفاده قرار گرفت و بر بالا بودن میزان بزهکاری در یک محدوده خاص که می‌تواند یک شهر، محله، خیابان یا حتی خانه مسکونی باشد تأکید نمود. بسیاری از صاحب‌نظران دلیل تمرکز مکان‌های بزهکاری را همگرایی و ترکیب سه عامل می‌دانند (بازرگان و همکاران، ۱۳۹۶ نقل از مشکینی و همکاران، ۱۳۹۲):

- وجود اهداف مجرمانه
 - وجود بزهکاران با انگیزه و مهارت بالا در اعمال مجرمانه
 - نبود مراقبت و کنترل مناسب از سوی مردم و مسئولان
- در نقطه مقابل، برخی اندیشمندان معتقدند که مجرمان همانند سایر مردم به زندگی و کار خود در سطح شهر مشغول هستند و در حین زندگی روزمره درصدد ارتکاب عمل مجرمانه هستند و طبیعتاً افراد یا اشیایی که در مجاورت این افراد قرار دارند بیشتر در معرض بزهکاری قرار دارند (بازرگان و همکاران، ۱۳۹۶: ۳۰).

نظریه بوم‌شناختی و جمعیت‌شناختی مکتب شیکاگو توسط جامعه‌شناسانی مانند رابرت پارک مطرح شده است. متفکران مکتب شیکاگو در تبیین انحرافات اجتماعی بر متغیرهای مرتبط با پدیده شهرنشینی تأکید داشتند و هدفشان درک تأثیر عوامل جمعیت‌شناختی مانند سن، تراکم و بعد خانوار و عوامل بوم‌شناختی مانند قومیت، نژاد و محل سکونت بر جرائم و انحرافات شهری بوده است (پورموسوی و همکاران، ۱۳۹۰: ۶۳).

تحلیل‌های اقتصادی از جرم، آن را مبتنی بر انتخاب عقلانی می‌دانند؛ بنابراین، پراکندگی و توزیع جرم طبق نظریه انتخاب عقلانی بر اساس مسائل اقتصادی و منافع شخصی است. محمودی جانکی و همکاران (۱۳۹۲: ۷۱) نظریه انتخاب عقلانی را تشریح کننده انگیزه و دلایل مجرم برای انتخاب جرم می‌دانند و بر اساس این نظریه، عمل مجرم را متأثر از ویژگی‌های رفتار مجرمانه و همچنین خصایص فردی وی می‌دانند؛ به عبارت دیگر، بزهکار برای ارتکاب جرم، هم موقعیت بزه و احتمال به نتیجه رسیدن آن را می‌سنجد و هم توانایی‌ها و ضعف‌های خود را مدنظر قرار می‌دهد.

بررسی وضعیت جرم، جنایت و بزهکاری در کلان‌شهرها و شهرهای بزرگی که نقش مرکزیت منطقه را دارند بسیار حائز اهمیت است. این شهرها علاوه بر اینکه کانون و مرکز جذب منابع هستند، می‌توانند به نقطه تمرکز جرائم گوناگون تبدیل شوند. به عنوان مثال، نتایج تحقیق محسنی و همکاران (۱۳۹۶: ۷۵) نشان می‌دهد که عدم رعایت هنجارهای ترافیکی، بزه دیدگی، اجرای نادرست قوانین توسط متولیان، جلب توجه، افول اخلاق و قوم‌گرایی از جمله عوامل تأثیرگذار در خشونت خیابانی هستند. همگی این عوامل در ابعاد مشهود و محسوس در بسیاری از کلان‌شهرها رؤیت می‌شوند. بالا رفتن میزان انحراف از ارزش‌های جامعه ممکن است بر کیفیت زندگی شهری اثر بگذارد، زیرا تعریف صحیح کیفیت زندگی به فرهنگ و ارزش‌های مرسوم جامعه وابسته است (شفیعا و همکاران، ۱۳۹۲) و تجمع جرم در یک شهر یا منطقه خاص می‌تواند با از بین بردن یا تضعیف پیوندهای اجتماعی در آن پهنه به استواری فرهنگ و ارزش‌ها آسیب جدی وارد نماید.

با در نظر گرفتن عمده نظریات و پژوهش‌های صورت گرفته، می‌توان عوامل مهم در توزیع جغرافیایی جرم را در دو دسته کلی تقسیم‌بندی نمود: اول، عواملی که انگیزه ارتکاب جرم را افزایش می‌دهد و دوم، عواملی که فرصت فعالیت مجرمانه را بیشتر می‌کنند (Ackerman & Murry, 2004:424). بر همین اساس، می‌توان نظریات مرتبط را نیز در دو دسته‌ی کلی قرار داد:

الف. نظریه فرصت ارتکاب جرم،

ب. نظریاتی که انگیزه‌های وقوع جرائم را تبیین می‌کنند.

نظریه فرصت ارتکاب جرم یکی از نظریات پایه‌ای در تحلیل جرم است که وقوع آن را علاوه بر ویژگی‌های مجرم و قربانی، به فضای تقابل این دو نسبت می‌دهد (Hannon, 2002). در واقع، هم‌زمانی حضور مجرم و قربانی در فضایی که فرصت ارتکاب جرم را فراهم نموده است منجر به ارتکاب جرم می‌شود. کوک (۱۹۸۶) ارتکاب جرم در این نظریه را با توجیه اقتصادی و به این صورت شرح داده است: «با فرض ثابت بودن سایر متغیرها، افزایش در احتمال دستیابی به نتیجه نهایی به ازای هر واحد تلاش در جهت خواست مجرمانه منجر به افزایش در میزان کلی جرائم می‌شود». وی بر این باور است که رد کردن این گزاره به معنی تردید در عقلانیت حسابگرانه مجرمان بالقوه بوده که با رفتار عقلانی انسان سازگار نیست؛ بنابراین، نظریه فرصت ارتکاب جرم، رفتار مجرمانه را به عقلانیت بشر و حسابگری او منتسب می‌کند (Hannon, 2002 به نقل از Cook, 1986). با در نظر گرفتن این رویکرد، مجرم ابتدا ارزیابی هزینه-فایده انجام می‌دهد و در صورتی که فایده‌ی حاصل از ارتکاب جرم بر هزینه‌ی آن غالب باشد، فرصت به وجود آمده مغتنم است و انتخاب عقلانی مجرم بالقوه، اقدام به آن عمل مجرمانه است. دو نکته حائز اهمیت در این رویکرد وجود دارند: نخست اینکه فرصت ایجاد شده بسیار کوتاه‌مدت و محدود به فضای پیرامونی نقطه بالقوه جرم بوده و با اندکی تغییر در شرایط، از دست می‌رود (Van Dijk, 1994: 106)، دوم اینکه ارتباط میان افزایش فرصت‌ها و افزایش میزان جرائم همواره خطی نیست. هم‌زمان با افزایش فرصت‌های موجود، ارتکاب جرائم به صورت غیرخطی و تا حدی مشخص ادامه پیدا می‌کند تا به نقطه اشباع فرصت برسد. در این نقطه، نسبت فرصت‌های موجود به مجرمان احتمالی آن قدر زیاد می‌شود که افزایش آن دیگر جذابیت خاصی برای مجرم بالقوه ایجاد نمی‌نماید (Hannon, 2002: 366).

از سوی دیگر، نظریات مرتبط با انگیزه‌های وقوع جرم، عوامل مختلفی را به‌عنوان عوامل انگیزشی در ارتکاب جرم معرفی می‌نماید. این عوامل ممکن است زمینه‌ی اقتصادی، اجتماعی یا فرهنگی داشته باشند و بر همین اساس منجر به انواع متفاوتی از جرائم شوند. بیکاری به‌عنوان یکی از عوامل انگیزشی مهم در ارتکاب جرم معرفی شده است (Kleck & Chiricos, 2002). فرد بیکار به دلیل از دست دادن درآمد مالی از

بسیاری امکانات و الزامات حداقلی موردنیاز برای زندگی محروم است. همین موضوع در او انگیزه ارتکاب جرائمی نظیر سرقت را تقویت می‌کند. باین حال، انگیزه ارتکاب جرم همیشه اقتصادی نیست. برخی تحقیقات (مانند Anderson, 1999) عواملی نظیر جایگاه، اعتبار و احترام حاصل از انجام عملی خلاف قانون را به‌عنوان انگیزه اصلی ارتکاب برخی جرائم می‌دانند. بعضی دیگر، تفاوت‌های شخصیتی افراد، تمایز در میزان خطرپذیری و علاقه آن‌ها به هیجان را عامل اقدامات خلاف قانون می‌دانند (مانند Zuckerman, 2007)؛ به‌عبارت‌دیگر، مخاطرات نهفته در ارتکاب جرم برای برخی افراد فی‌نفسه جذاب و هیجان‌انگیز است (Burt & Simons, 2013: 1327). همچنین، جرائمی که جنبه‌ی خشونت و تهاجم دارند ممکن است انگیزه‌هایی نظیر تبعیض و برتری‌طلبی نژادی یا طبقاتی داشته باشند. جرائم نفرت‌گرا به‌عنوان جرائمی معرفی می‌شوند که نشانگر تعصبات نژادی، مذهبی، جنسیتی، قومیتی یا علیه معلولان جسمی و ذهنی باشند (McDevitt et al., 2002: 303). برخی از محققان، ترکیب عوامل فردی مانند وضعیت فیزیکی و ژنتیکی و عوامل روانی مانند حساسیت، ترس، کم‌هوشی و احساس حقارت را به‌عنوان عوامل داخلی جرم‌زا معرفی می‌نمایند (شاهیوندی و همکاران، ۱۳۸۸: ۱۵۸).

در مجموع و با نگاهی به این دو طیف نظریات، می‌توان نظریات انگیزشی را طرف تقاضا برای ارتکاب جرم دانست و نظریه فرصت ارتکاب جرم را به‌عنوان طرف عرضه معرفی نمود (Cohen & Felson, 1979)، اما لازم است دقت شود که همیشه این دو متغیر کاملاً مستقل از هم عمل نمی‌کنند (Hannon, 2002) و وجود فرصت می‌تواند در میزان انگیزش در فرد مؤثر باشد. در واقع برخی از محدوده‌ها و بافت‌های شهری ممکن است در بردار زمان یا مکان و یا هر دو هم‌زمان فرصت و انگیزه‌های بیشتری را برای ارتکاب جرم توسط مجرمان و بزهکاران فراهم آورند. در نتیجه در این بافت‌ها و محدوده‌ها احتمال بروز و مشاهده جرم و رفتارهای بزهکارانه بیشتر خواهد شد. بافت‌های مرکزی، پیرامونی و حاشیه‌ای از جمله این نوع فضاها می‌توانند باشند. این مقاله با در نظر گرفتن دوگانه‌ی انگیزه-فرصت به‌عنوان چارچوب نظری پایه و با لحاظ نمودن شرایط و ویژگی‌های فضایی

متفاوت در موقعیت‌های گوناگون به تحلیل توزیع فضایی جرائم در شهرها و محدوده‌های آنها در نقاط مختلف جهان می‌پردازد.

روش‌شناسی

این پژوهش از نوع کاربردی است. رویکرد انجام این پژوهش، تحلیلی-توصیفی است که داده‌های آن با استفاده از روش «فرا ترکیب»، جمع‌آوری و تحلیل می‌شوند. فرا ترکیب گونه‌ای از روش تحقیق است که از آن برای ایجاد تئوری‌های جدید بر مبنای تئوری‌ها و ادبیات موجود یا تفسیر و تحلیل پژوهش‌های قبلی با بهره گرفتن از مقایسه یافته‌های مختلف ضمن حفظ یکپارچگی آنها استفاده می‌شود. مطابق با نظر بک (۲۰۰۲)، هدف اصلی از فرا ترکیب، تفسیر خلاقانه از یافته‌های کیفی بر مبنای یکپارچگی موضوع است. به‌طور کلی دو نوع نگاه بر فرا ترکیب حاکم است. نگاه اول با عنوان رویکرد «یکپارچه کننده» بر جمع‌آوری، گردآوری و یکپارچه کردن مطالعات پیشین با تکیه بر شناسایی نقاط مشابه در آنها تأکید دارد و آنها را بر اساس متغیرهایی با قابلیت اعتماد بالا یکپارچه می‌کند. رویکرد دوم که «ترکیب تفسیری» نام دارد بر تفسیر و تأویل مطالعات قبلی بر مبنای مقایسه تأکید دارد (نادری و همکاران، ۱۳۹۴). پژوهش حاضر هر دو رویکرد فرا ترکیب را لحاظ نموده است، اما تأکید اصلی بر رویکرد یکپارچه کننده است.

جامعه آماری این تحقیق، مجموعه مطالعات و پژوهش‌هایی هستند که در حوزه توزیع جغرافیایی، مکانی و فضایی جرم در شهرها و مناطق پیرامونی آنها در ایران و جهان انجام گرفته‌اند. به‌منظور شناسایی و دستیابی به این پژوهش‌ها، کلیدواژگان متعددی در فضای پایگاه‌های معتبر علمی مورد جستجو قرار گرفتند. مهم‌ترین و پرکاربردترین آنها در زبان فارسی عبارت‌اند از «توزیع جرم در شهر»، «توزیع جغرافیایی جرم»، «توزیع فضایی جرم» و «تحلیل فضایی جرم». در زبان انگلیسی نیز کلیدواژگان "crime" و "Spatial analysis of crime" مورد جستجو قرار گرفتند. در این مرحله، پژوهشگران به بررسی مقالات پرداخته و در هر مرحله از بازبینی، تعدادی از آنها را حذف نموده‌اند. در گام اول، چکیده مقالات یافته شده بر مبنای کلیدواژگان مورد مطالعه قرار گرفت، سپس

مقالاتی که چکیده آن‌ها مرتبط تشخیص داده شدند به‌طور کامل مورد مطالعه و بازبینی قرار گرفته و مواردی که از نظر محققان معتبر و مورد تأیید بوده‌اند، انتخاب شدند. پژوهشگران، بازبینی و اعتبارسنجی محتوایی مقالات را بر مبنای چهار معیار انجام داده‌اند. این چهار معیار که عبارت‌اند از «اهداف پژوهش»، «جمع‌آوری داده‌ها»، «دقت در تجزیه و تحلیل» و «بیان واضح و روشن یافته‌ها»، در ارزیابی اعتبار، دقت و اهمیت مطالعه‌ها به کار رفته و کاربرد آن‌ها مورد تأیید قرار گرفته است (کمالی، ۱۳۹۶: ۷۳۰). پس از طی مراحل ارزیابی و اعتبارسنجی، نهایتاً ۲۷ پژوهش به زبان فارسی و ۱۵ پژوهش به زبان انگلیسی یعنی مجموعاً ۴۲ مورد از پژوهش‌ها مرتبط تشخیص داده شدند که شرح آن‌ها در جدول شماره ۱ آمده است.

جدول ۱. اسناد استفاده‌شده در این پژوهش

| ردیف | پژوهشگر/پژوهشگران | عنوان پژوهش |
|------|--|--|
| ۱ | حسین ذوالفقاری و فریبا شایگان (۱۳۹۰) | بررسی جغرافیای جرم در شهر تهران |
| ۲ | احمد پوراحمد، محمدتقی رهنمای و محسن کلانتری (۱۳۸۲) | بررسی جغرافیایی جرائم در شهر تهران |
| ۳ | فیروز محمودی جانکی، فاطمه وحید دستجردی و محمد بارانی (۱۳۹۲) | تأثیر مجاورت محل سکونت بر انتخاب مکان جرم (مطالعه موردی جرم سرقت در شهر تهران) |
| ۴ | علی شمعی، علی اصغر قنبری و محمد عین‌شاهی میرزا (۱۳۹۲) | تحلیل فضایی جرائم شهری در مناطق بیست و دوگانه کلانشهر تهران |
| ۵ | معصومه پازکی، داوود شیخی و مختار یوردخانی (۱۳۹۵) | عوامل مؤثر بر میزان افزایش جرم در سکونتگاه‌های غیررسمی (مطالعه موردی: شهر پاکدشت) |
| ۶ | عباس ارغان (۱۳۹۵) | تحلیل و بررسی جغرافیایی جرم و بزهکاری در کاربری‌های شهری (مطالعه موردی: شهر رباط کریم) |
| ۷ | سارا اشکیتی و نبی خداکریمی (۱۳۹۸) | بررسی جغرافیای جرم در کلان‌شهرهای ایران: مطالعه موردی شهر تهران |
| ۸ | محسن کلانتری، احمد پوراحمد، یعقوب ابدالی و سارا الله‌قلی‌پور (۱۳۹۷) | تحلیل فضایی کیفیت زندگی در کانون‌های جرم‌خیز (مطالعه موردی: بخش مرکزی شهر تهران) |

| ردیف | پژوهشگر/پژوهشگران | عنوان پژوهش |
|------|---|--|
| ۹ | علی زنگی‌آبادی و حسین رحیمی نادر (۱۳۸۹) | تحلیل فضایی جرم در شهر کرج (با استفاده از GIS) |
| ۱۰ | حبیب احمدی و علی عربی (۱۳۹۲) | رابطه بین ساختار محله‌ای و ترس از جرم (مطالعه موردی: شهر کرج) |
| ۱۱ | احمد شاهپوندی، رضا رئیسی وانانی و حجت شیخی (۱۳۸۸) | تحلیلی بر توزیع فضایی جرائم در مناطق شهر اصفهان |
| ۱۲ | بلال محسن‌زاده هریس و عبدالرضا فرجی‌راد (۱۳۹۳) | تحلیل فضایی توزیع جرم در مناطق ده گانه شهر تبریز |
| ۱۳ | مسعود تقوایی، اصغر ضرابی و بهنام مغانی رحیمی (۱۳۸۸) | بررسی عوامل مؤثر بر میزان جرم در مناطق مختلف شهر شیراز |
| ۱۴ | حبیب احمدی، مریم سروش و حسین افراسیابی (۱۳۸۸) | ترس از جرم در مناطق جرم خیز شهر شیراز |
| ۱۵ | مهدی بازرگان، محمدرحیم رهنما، محمد اجزاء شکوهی و سید هادی زرقانی (۱۳۹۶) | شناسایی و تحلیل فضایی کانون‌های جرم خیز سرقت در کلان‌شهر مشهد |
| ۱۶ | عزت‌اله مافی (۱۳۷۸) | جغرافیای تطبیقی پاتولوژی شهری (وین-مشهد) |
| ۱۷ | محمدحسین سرائی و سید مصطفی حسینی (۱۳۹۴) | تحلیل فضایی-مکانی جرم در شهر یزد |
| ۱۸ | مسلم حدیدی، بیتا حامد، کاوه نادری و ژیلایا قزوینه (۱۳۹۴) | بررسی و تحلیل پراکنش مکانی-فضایی جرم خیزی در محله‌های شهر کرمانشاه با استفاده از GIS |
| ۱۹ | امین اکبری، امیر ملکی، محمدجواد زاهدی و شاه‌بختی رستمی (۱۳۹۵) | تحلیل فضایی-جامعه‌شناختی جرم سرقت از منزل در شهر کرمانشاه |
| ۲۰ | اسماعیل نصیری، احسان گل‌مهر و محمدحسن رحمانی (۱۳۹۳) | تحلیل فضایی جرم و مکان‌های جرم‌خیز مطالعه موردی: بزه سرقت در شهر قزوین |
| ۲۱ | بهنام مغانی رحیمی، محسن پورخسروانی و مهدی خداداد (۱۳۹۶) | ارزیابی توزیع فضایی و نقش محیط در وقوع جرم سرقت در مناطق چهارگانه شهر کرمان |
| ۲۲ | محمدحسن یزدانی، ابراهیم فیروزی مجنده و جواد هاشمی (۱۳۹۷) | بررسی الگوی پراکنش فضایی جرائم سرقت در شهر اردبیل به‌منظور شناسایی کانون جرم‌خیز سرقت |
| ۲۳ | سید جلیل نبوی رستاقی، ناصر بیات، ابراهیم رجبی تاج‌امیر و سید جعفر | تحلیل فضایی جرم کیف‌قاپی در شهر ساری با استفاده از سامانه اطلاعات جغرافیایی |

| ردیف | پژوهشگر/پژوهشگران | عنوان پژوهش |
|------|--|---|
| | ساداتی (۱۳۹۷) | |
| ۲۴ | سید باقر حسینی و محسن کاملی (۱۳۹۶) | عوامل محیطی مؤثر بر وقوع جرائم شهری (جرم سرقت) مطالعه موردی: منطقه ۱ و ۷ شهر قم |
| ۲۵ | علی شجاعیان، محمد آدینه‌وند، مریم آزادبخت و نورا بیات (۱۳۹۵) | شناسایی و پهنه‌بندی کانون‌های وقوع جرم (سرقت مسلحانه) شهر اهواز بین سال‌های ۱۳۹۰ تا ۱۳۹۳ |
| ۲۶ | یوسف بیانلو و محمد کریم منصوریان (۱۳۸۵) | رابطه تراکم جمعیت با میزان و نوع جرم |
| ۲۷ | آتوسا مدیری (۱۳۸۵) | جرم، خشونت و احساس امنیت در فضاهاى عمومی شهر |
| ۲۸ | Silas Nogueira de Melo et al., (2015) | Crime concentrations and similarities in spatial crime patterns in a Brazilian context |
| ۲۹ | Riccardo Valente (2019) | Spatial and temporal patterns of violent crime in a Brazilian state capital: A quantitative analysis focusing on micro places and small units of time |
| ۳۰ | Shannon J. Linning (2015) | Crime seasonality and the micro-spatial patterns of property crime in Vancouver, BC and Ottawa, ON |
| ۳۱ | Ashok K. Dutt and G. Venugopal (1983) | Spatial patterns of crime among Indian cities |
| ۳۲ | A.L. Nelson et al., (2001) | Identifying micro-spatial and temporal patterns of violent crime and disorder in British city center |
| ۳۳ | Matthew Quick et al., (2018) | Crime-general and crime-specific spatial patterns: A multivariate spatial analysis of four crime types at the small-area scale |
| ۳۴ | Keith Harries (2006) | Extreme spatial variations in crime density in Baltimore county, MD |
| ۳۵ | Danielle M. Fenimore (2019) | Mapping harmspots: An exploration of the spatial distribution of crime harm |
| ۳۶ | Yanqing Xu et al., (2018) | The impact of street lights on spatial-temporal patterns of crime in Detroit, Michigan |
| ۳۷ | William V. Ackerman and Alen T. Murray (2004) | Assessing spatial patterns of crime in Lima, Ohio |
| ۳۸ | John R. Hipp et al., (2017) | Studying neighborhood crime across different macro spatial scales: the case of robbery in 4 cities |
| ۳۹ | Charlie Catlett et al., (2019) | Spatio-temporal crime predictions in smart cities: A data-driven approach and experiments |

| ردیف | پژوهشگر/پژوهشگران | عنوان پژوهش |
|------|---------------------------|--|
| ۴۰ | Zhanjun He et al., (2020) | Discovering the joint influence of urban facilities on crime occurrence using spatial co-location pattern mining |
| ۴۱ | Corey S. Sparks (2011) | Violent crime in San Antonio, Texas: An application of spatial epidemiological methods |
| ۴۲ | John R. Hipp (2016) | General theory of spatial crime patterns |

پس از شناسایی و دسترسی به پژوهش‌های مختلف، آن‌ها بر اساس هم‌نوایی کلیدواژگان و مفاهیم مورد بررسی در چهار گروه موضوعی با عنوان عوامل بسترساز جرم دسته‌بندی شدند. این چهار گروه عبارت‌اند از: تراکم جمعیت، مهاجرت و اسکان غیررسمی، محیط و امکانات کالبدی و اکولوژی اجتماعی. مبنای این دسته‌بندی، ارتباط مفهومی و شیوه اثرگذاری مفاهیم کلیدواژه‌ای بر پراکندگی جرائم است. در نهایت، تحلیل و فراترکیب مقالات بر اساس این چهار گروه صورت گرفت.

دسته‌بندی توصیفی و آماری اسناد

قلمرو زمانی

بررسی قلمرو زمانی پژوهش‌های صورت گرفته نشان می‌دهد که این موضوع از دغدغه‌های به‌روز پژوهشگران حوزه آسیب‌شناسی شهری است. تحقیقات صورت گرفته در مقولات مرتبط با پراکندگی جغرافیایی و فضایی جرم در سال‌های اخیر از نظر تعداد، روند صعودی داشته و توجه بسیاری از محققان مطالعات شهری را به خود جلب نموده است. چنان‌که در جدول شماره ۲ مشخص است، بیشترین فراوانی در مقالات فارسی مربوط به بازه زمانی ۱۳۹۴ الی ۱۳۹۸ با ۱۳ مقاله است و این فراوانی در دوره مشابه قبل به ۷ مورد تقلیل می‌یابد. روند مشابهی در مقالات به زبان انگلیسی حاکم بوده و ۸ مورد از مجموع ۱۵ مورد پژوهش‌ها در بازه زمانی ۲۰۱۶ الی ۲۰۲۰ انجام شده‌اند.

جدول ۲. توزیع پژوهش‌ها در قلمرو زمانی

| درصد | فراوانی | بازه زمانی | |
|------|---------|-----------------|-------|
| ٪۳۱ | ۱۳ | ۱۳۹۴-۱۳۹۸ | داخلی |
| ٪۱۶ | ۷ | ۱۳۸۹-۱۳۹۳ | |
| ٪۱۲ | ۵ | ۱۳۸۴-۱۳۸۸ | |
| ۵٪ | ۲ | ۱۳۸۳ و ماقبل | |
| ٪۶۴ | ۲۷ | جمع | |
| ٪۱۹ | ۸ | 2016-2020 | خارجی |
| ٪۷ | ۳ | 2011-2015 | |
| ٪۳ | ۱ | 2006-2010 | |
| ٪۷ | ۳ | 2005 and before | |
| ٪۳۶ | ۱۵ | جمع | |
| ٪۱۰۰ | ۴۲ | کل | |

قلمرو جغرافیایی

اکثر تحقیقات صورت گرفته حوزه کلان‌شهرها را در بر می‌گیرند. ۱۸ مورد از ۲۷ مورد پژوهش داخلی و ۶ مورد از ۱۵ مورد پژوهش خارجی بر کلان‌شهرها تمرکز دارند. البته جامعه آماری و قلمرو جغرافیایی بعضی از این تحقیقات کل محدوده یک کلان‌شهر است و برخی دیگر، بخشی از نواحی یا مناطق یک کلان‌شهر را بررسی می‌کنند. قلمرو تعدادی از پژوهش‌ها مربوط به شهرهایی است که از نظر جمعیتی پرشمار نیستند اما به دلیل موقعیت جغرافیایی، اقتصادی و اجتماعی حائز اهمیت هستند. این پژوهش‌ها در حوزه داخلی به دو دسته مراکز استان با ۷ مورد و شهرهای کوچک با ۲ مورد تقسیم شده‌اند. در حوزه پژوهش‌های خارجی، این تحقیقات به ۳ مورد با عنوان شهرهای کوچک محدود شده‌اند. قلمرو ۴ مورد از پژوهش‌های خارجی، چند شهر بزرگ است. همچنین دو مورد از این تحقیقات در سطح ملی یا بین‌المللی انجام گرفته‌اند.

جدول ۳. توزیع پژوهش‌ها در قلمرو محدوده فضایی موردبررسی

| درصد | فراوانی | قلمرو جغرافیایی | |
|------|---------|-----------------|-------|
| ۴۳٪ | ۱۸ | کلان‌شهر | داخلی |
| ۱۶٪ | ۷ | مرکز استان | |
| ۵٪ | ۲ | شهر کوچک | |
| ۶۴٪ | ۲۷ | جمع | |
| ۱۴٪ | ۶ | کلان‌شهر | خارجی |
| ۷٪ | ۳ | شهر کوچک | |
| ۱۰٪ | ۴ | منطقه شهری | |
| ۵٪ | ۲ | ملی/بین‌المللی | |
| ۳۶٪ | ۱۵ | جمع | |
| ۱۰۰٪ | ۴۲ | کل | |

کلیدواژگان

کلیدواژه‌های مورداستفاده در پژوهش‌های مختلف، بیانگر میزان اهمیت و تمرکز بر مقولات مختلف است. جدول شماره ۴ به‌منظور دسته‌بندی و شناسایی اولویت‌ها در کار محققانی است که این پژوهش‌ها را انجام داده‌اند. به‌منظور تدوین این جدول، سه اقدام انجام گرفته است: اول، برگردان کلیدواژگان انگلیسی به فارسی، دوم، حذف برخی کلیدواژگان غیر مرتبط به موضوع اصلی (مانند نام شهرها) و سوم، یکپارچه‌سازی کلیدواژگان مشابه به هم در قالب گروه کلیدواژگان.

جدول ۴. کلیدواژگان به‌کاررفته در پژوهش‌ها

| فراوانی | گروه کلیدواژه |
|---------|---|
| ۲۰ | جرم |
| ۲ | بزهکاری |
| ۴ | تراکم |
| ۱۷ | الگوی جرم/الگوی فضایی/توزیع فضایی/پراکندگی/جغرافیای جرم |
| ۹ | تحلیل فضایی جرم |
| ۴ | فضا/مکان |

| فراوانی | گروه کلیدواژه |
|---------|---|
| ۱۴ | جرم خیزی/کانون جرم خیز/محل/محل/محله/محلات جرم خیز |
| ۳ | بی نظمی/بی سازمانی |
| ۴ | امنیت/امنیت عمومی |
| ۲ | پلیس |
| ۳ | اکولوژی |
| ۲ | جغرافیای اجتماعی |
| ۳ | برنامه‌ریزی شهری/مسکن/طراحی محیطی |
| ۳ | کاربری اراضی |
| ۲ | حاشیه‌نشینی/اسکونتگاه غیررسمی |
| ۳ | ترس از جرم |
| ۱۴ | عناوین جرائم: سرقت، خشونت و... |

تجزیه و تحلیل داده‌ها

به منظور ساختارمندی تجزیه و تحلیل داده‌ها، عناوین تحلیل در قالب چهار عامل بستر ساز جرم شامل تراکم، مهاجرت و اسکان غیررسمی، اکولوژی اجتماعی، محیط و امکانات کالبدی دسته‌بندی شده‌اند. عوامل مذکور بر اساس ارتباط مفهومی و نوع اثرگذاری کلیدواژگان بر پراکنش جرائم به عنوان عوامل بستر ساز معرفی شده و توزیع جرائم بر اساس این چهار عامل مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته است. پژوهش‌های مرتبط با هر یک از مفاهیم کلیدواژه‌ای می‌توانند ذیل یک یا چند عامل مورد بررسی قرار گیرند. جدول شماره ۵، این موضوع را تبیین می‌نماید. همچنین، هر کلیدواژه می‌تواند نقشی انگیزشی در ارتکاب جرم داشته باشد، فرصتی برای آن فراهم نماید یا بر حسب شرایط، انگیزه و فرصت را به طور هم‌زمان متأثر نماید.

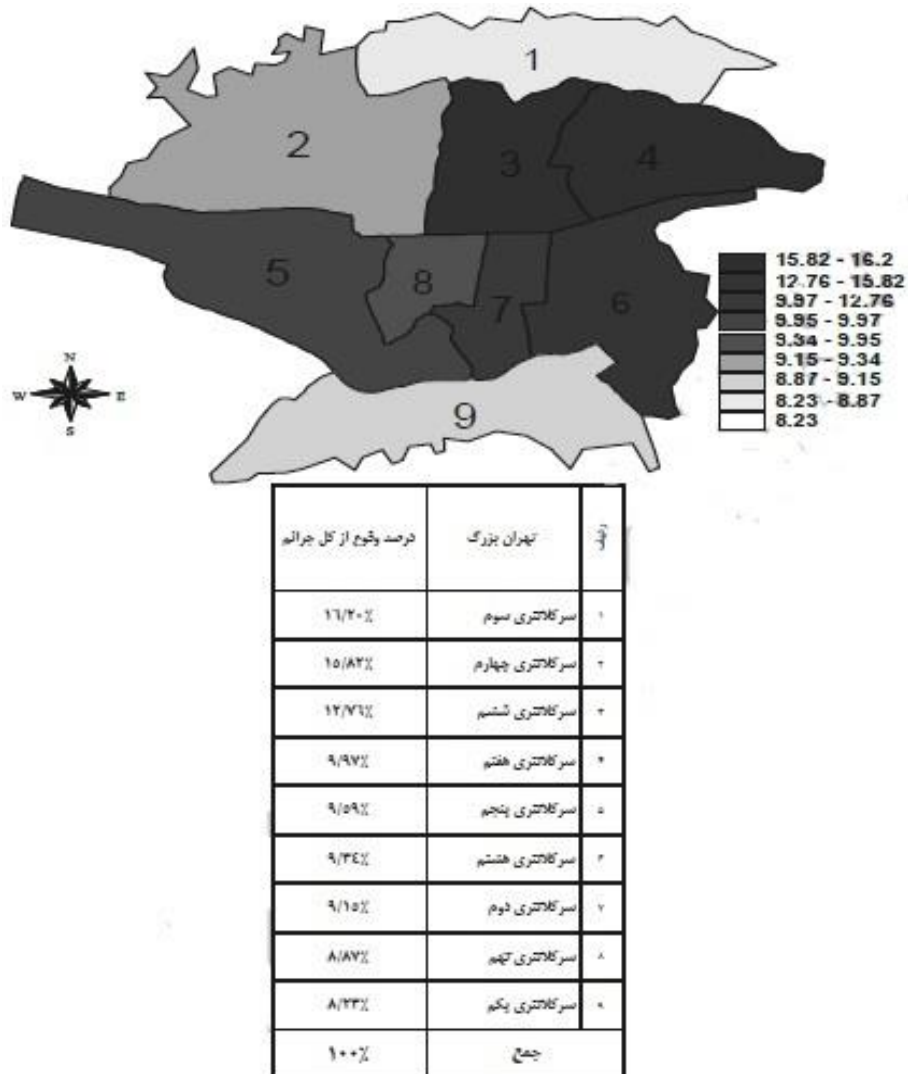
جدول ۵. دسته‌بندی کلیدواژگان بر اساس عوامل بستر ساز و کارکردهای انگیزشی یا فرصتی

| کارکرد | عوامل | | | | کلیدواژه‌ها |
|--------------------|-----------------------|-----------------|------------------------|-------------|--|
| | محیط و امکانات کالبدی | اکولوژی اجتماعی | مهاجرت و اسکان غیررسمی | تراکم جمعیت | |
| فرصتی | | | | ● | تراکم جمعیتی |
| فرصتی | ● | | | ● | فضا/مکان |
| فرصتی | ● | | ● | | جرم خیزی/کانون جرم خیز/محل/محل/محلات جرم خیز |
| انگیزشی | | ● | | | اکولوژی |
| فرصتی | ● | | | | بی نظمی/بی سازمانی |
| فرصتی | ● | | | | امنیت/امنیت عمومی |
| فرصتی | ● | | | | پلیس |
| انگیزشی | | ● | | | جغرافیای اجتماعی |
| فرصتی | ● | | | ● | شهرسازی/مسکن/طراحی محیطی |
| فرصتی | ● | | | ● | کاربری اراضی |
| انگیزشی - فرصتی | ● | ● | ● | | حاشیه‌نشینی/اسکونتگاه غیررسمی |
| انگیزشی | | ● | | | ترس از جرم |
| انگیزشی - فرصتی | ● | ● | ● | ● | جرم/بزهکاری/عناوین جرائم: سرقت و... |
| انگیزشی - فرصتی | ● | ● | ● | ● | الگوی جرم/الگوی فضایی/توزیع فضایی/پراکندگی/جغرافیای جرم |
| انگیزشی - فرصتی | ● | ● | ● | ● | تحلیل فضایی جرم |

تراکم جمعیت

بسیاری از تحقیقات، وجود همبستگی مثبت میان تراکم جمعیت و فراوانی وقوع جرائم را تأیید می‌کنند (مانند: شمعی و همکاران، ۱۳۹۲). ذوالفقاری و شایگان (۱۳۹۰: ۳) با ارتباط برقرار کردن میان میزان جرائم و درجه توسعه شهر، این ادعا را مطرح نموده‌اند که

محل‌های متراکم یا حاشیه‌نشین که محل سکونت شهروندان کم‌درآمد هستند، جرم و جنایت در این محل‌ها بیش از نقاط دیگر رخ می‌دهد و بیشتر زندانیان به این محل‌ها تعلق دارند. به باور آن‌ها وضعیت و نوع تراکم شهری و چگونگی قرار گرفتن منازل در کنار هم تراکم جمعیت را موجب شده و محیط فیزیکی را به گونه‌ای می‌سازد که زمینه بروز جرم در آن فراهم می‌شود. از این رو، مقایسه آماری نشان می‌دهد که رابطه تراکم محیط شهری به معنای عام قضیه با جرائم شهری به صورت مستقیم قابل مقایسه است. بر اساس نتایج تحقیق آن‌ها، بیشترین جرائم به ترتیب در سرکلانتری‌های ۳، ۴ و ۶ که عمدتاً در شرق تهران واقع هستند رخ می‌دهند. این موضوع را می‌توان به بافت فیزیکی متراکم و سنتی شرق تهران (در مقایسه با مناطق غربی) و نیز رقم بالاتر جمعیت در مقایسه با مناطق جنوبی (که آن‌ها نیز از نظر فیزیکی متراکم هستند) نسبت داد؛ به عبارت دیگر، شرق تهران از غرب تهران متراکم‌تر و از جنوب این شهر پرجمعیت‌تر است؛ بنابراین می‌توان این انطباق تراکم و جمعیت را باعث افزایش رقم جرم دانست.



شکل ۱. پراکندگی جغرافیایی جرم در شهر تهران (ذوالفقاری و شایگان، ۱۳۹۰: ۲۳)

زنگی آبادی و رحیمی نادر (۱۳۸۷: ۱۹۴) با بررسی جرم در مناطق ده گانه کلان‌شهر کرج به این نتیجه رسیده‌اند که جرائم در نواحی پرجمعیت این شهر بیشتر رخ می‌دهند. آن‌ها معتقدند با افزایش جمعیت در یک محدوده، اصطکاک اجتماعی و رفتاری رخ می‌دهد و منافع ساکنان موجب افزایش بروز رفتارهای ناهنجار در آن مناطق و نواحی پرتراکم

می‌شود. همچنین، فشار جمعیت و ازدحام به‌عنوان یکی از موانع کنترل اجتماعی محسوب شده است که موجب ازهم‌گسیختگی و ناهمگونی روابط افراد می‌شود و به‌عنوان عاملی مؤثر و مثبت در بروز جرم عمل می‌کند. نتایج صورت گرفته در کلان‌شهر اصفهان نیز مشخص می‌کند که بین تراکم جمعیت و تعداد جرم رابطه‌ای معنادار از جنس همبستگی مثبت وجود دارد (شاهبوندی و همکاران، ۱۳۸۸: ۱۷۵).

با این حال، برخی تحقیقات، نظری متفاوت از این دارند و رابطه تراکم جمعیت با میزان ارتکاب جرم را مستقیم نمی‌دانند. در تحقیق کوئیک و همکاران (۲۰۱۸: ۲۸، ۳۰)، تراکم جمعیت به‌عنوان یکی از ۴ متغیر مستقل مؤثر بر الگوی فضایی جرم در لندن بزرگ مورد بررسی قرار گرفته و رابطه آن با هر یک از انواع جرائم به‌صورت کمی سنجیده شده است. نتیجه حاصل این بوده است که تراکم جمعیت با تمامی انواع جرم رابطه منفی دارد و جرائم، بیشتر در مناطقی از لندن رخ می‌دهند که تراکم جمعیت در آن‌ها پایین‌تر است. در این تحقیق بر همبستگی اجتماعی، اعتماد متقابل و شبکه‌های دوستی به‌عنوان ویژگی‌های ساختاری در فضاهای کوچک و محله‌ای اشاره شده است؛ بنابراین می‌توان این‌گونه استدلال نمود که تراکم جمعیت اگر هم‌زمان با حفظ اصول و ویژگی‌های زیست محله‌ای و روابط مبتنی بر همبستگی اجتماعی باشد می‌تواند به‌عنوان عامل بازدارنده جرم عمل نماید، اما اگر هم‌زمان با تراکم جمعیت، هویت و ساختار فضایی محله دگرگون شده و حس تعلق به محله و نگاه به آن به‌عنوان یک محدوده زیستی مشترک از بین رود و یا اساساً محله‌ای جدید و متراکم و بدون مشخصات مذکور شکل گیرد، احتمالاً نرخ جرائم در آن محله بالا خواهد رفت.

برخی تحقیقات، رابطه جرم با تراکم جمعیت را یک قاعده کلی نمی‌دانند و آن را به نوع جرائم وابسته می‌دانند. به‌عنوان نمونه، بر اساس نتایج پژوهش صورت گرفته توسط فینموره (۲۰۱۹) در شهر واشنگتن (پایتخت ایالات متحده آمریکا)، تراکم جمعیت در مناطق مرکزی شهر منجر به برخوردهای بیشتر میان شهروندان می‌شود که این موضوع متعاقباً فرصت‌های بیشتری برای افزایش تعارض و جرائم ایجاد می‌کند. با این حال، این جرائم بیشتر مشتمل بر جرائم خفیف با پیامدهای قابل تحمل -مانند سرقت- می‌شوند و

جرائم شدیدتر با پیامدهای غیرقابل جبران -مانند قتل- عموماً در فضاهایی دورتر از مرکز شهر که تراکم جمعیت در آنجا کمتر است، رخ می‌دهند.

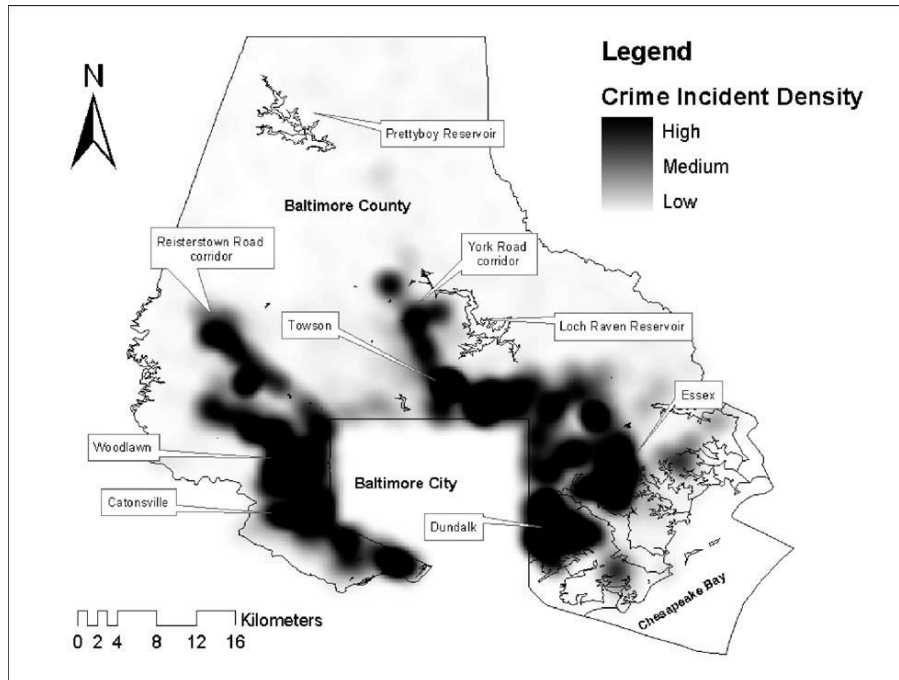
مهاجرت و اسکان نامتعارف

کلان‌شهرها کانون جذب مهاجر از شهرها و روستاهای دور و نزدیک هستند. با این حال، مهاجرانی که با نیت دستیابی به کار و خدمات مناسب‌تر رهسپار کلان‌شهرها می‌شوند، معمولاً توان پرداخت هزینه زندگی در کلان‌شهر را ندارند. از سوی دیگر، انطباق با محیط اجتماعی-فرهنگی کلان‌شهرها نیز برای مهاجرانی از فرهنگ و اجتماع متفاوت در زمانی کوتاه میسر نیست. از این رو، این گروه عموماً در فواصل معینی از مرکز شهر سکونت می‌کنند. این سکونتگاه‌ها که گاه غیررسمی هستند به میزان بسیار کمی با اصول شهرسازی انطباق دارند، از امکانات و تسهیلات شهری کمتری بهره‌مند هستند و کنترل اجتماعی بر آنان نیز کمتر است و از آن‌ها می‌توان به‌عنوان مأمنی برای تخلفات و جرائم استفاده نمود. پس می‌توان انتظار داشت که میزان جرائم در این مناطق بیشتر باشد.

نتایج تحقیق بازرگان و همکاران (۱۳۹۶: ۳۶) نشان می‌دهد که رابطه مستقیمی بین مناطق دارای محلات حاشیه‌نشین و میزان وقوع جرائم سرقت در کلان‌شهر مشهد وجود دارد. پاک‌کی و همکاران (۱۳۹۵: ۱۵۴) در بررسی میزان جرم در شهر پاک‌دشت دریافته‌اند که معضلاتی همچون پایین بودن درآمد، رشد بی‌قاعده جمعیت و پایین بودن سطح فن‌آوری منجر به شکل‌گیری حاشیه‌نشینی و نقاط سکونتی خودرو و غیرمتعارف شده است که با دگرگونی ساختار ارزشی و الگوهای رفتاری به‌علاوه از هم‌گسیختگی ناشی از فشار و ازدحام جمعیت منجر به افزایش بروز جرم شده است. در این تحقیق، عوامل زیربنایی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، ساختاری-کالبدی، امنیتی و حقوقی به‌عنوان عوامل مهم در افزایش میزان جرم در سکونتگاه‌های غیررسمی و حاشیه‌ای شناخته شده‌اند. بررسی عوامل مؤثر بر جرم سرقت در شهر کرمان نیز نشانگر این واقعیت است که بیشترین جرائم در مناطقی با بافت عمدتاً قدیمی و حاشیه‌نشین رخ داده‌اند. ساکنان این مناطق اکثراً مهاجرانی

هستند که از دیگر نقاط به‌ویژه روستاها در این مناطق ساکن شده‌اند و عموماً غیربومی هستند. (مغانی رحیمی و همکاران، ۱۳۹۶: ۱۳۳).

هریس (۲۰۰۶) توزیع جغرافیایی جرائم در شهرستان بالتیمور واقع در ایالات مریلند آمریکا را مورد بررسی قرار داده است. چنان‌که در شکل شماره ۲ مشخص است، مرزهای محدوده شهر بالتیمور شاهد بیشترین میزان جرائم هستند. این مرزها به‌خصوص مرزهای شرقی و غربی شهر، مناطقی هستند که مسیر توسعه فیزیکی شهر در سال‌های اخیر بوده‌اند و به عبارتی حاشیه‌های شهر هستند. افرادی که از نظر اقتصادی ناتوان هستند از نقاط داخلی به سمت نقاط حاشیه‌ای شهر رانده می‌شوند. حرکت گروهی که به‌طور تاریخی با عنوان اقلیت جرم-گرا شناخته می‌شوند در قالب فرآیند صادر نمودن عناصر جرم‌ساز از شهر به حومه معرفی می‌شود. با این حال، فقیرترین دسته از فقرا، یعنی آن‌هایی که ناتوانی جسمی یا روحی دارند، هیچ تحصیلاتی ندارند و امکان استخدام برایشان وجود ندارد، همچنان در مرکز شهر باقی می‌مانند. این تجمع در بلندمدت منجر به کاهش یا به عبارتی فرار جمعیت از مراکز شهر شده، آن‌ها را خالی از سکنه می‌نماید، به دنبال آن زیرساخت‌ها را نابود نموده و بستری برای جرم فراهم می‌کند (Harries, 2006:405).



شکل ۲. پراکندگی جغرافیایی جرائم در شهر بالتیمور، آمریکا (Harries, 2006:408)

بنابراین اسکان غیرمتعارف نتیجه دو جریان است. یک جریان، مهاجرت به کلان‌شهرها و توقف پشت دیوارهای شهر و جریان دیگر، خروج از مناطق درونی کلان‌شهر به حاشیه‌ها. ریشه‌ی هر دو جریان، عدم تمکن اقتصادی-فرهنگی سکونت در نواحی داخلی شهر است و هر دو منجر به افزایش میزان جرائم می‌شوند. فردی که جذب نظام اقتصادی و اجتماعی شهر نشود، به‌عنوان یک شهروند شناخته نمی‌شود و نمی‌تواند به‌اندازه ضرورت از امکانات شهری بهره‌مند شود؛ بنابراین، خارج از محدوده شهر ساکن شده و به‌صورت وابسته از بازار کار شهر استفاده می‌نماید. از سوی دیگر، فرد مهاجر که از نظام فرهنگی قبل از مهاجرت جدا شده، وقتی در نظام فرهنگی جدید قرار می‌گیرد دچار بحران هویت و گسیختگی از نظام ارزشی می‌شود که همین مسئله او را به حاشیه می‌راند. در مجموع، انزوای طلبی، احساس بیگانگی فرهنگی، فقر، بی‌ثباتی شغلی و اشتغال در بخش غیررسمی از منظر اقتصادی و کم‌سواد و تعارض ارزش‌ها از منظر اجتماعی عواملی هستند که افراد را به حاشیه رانده و

فرصت‌ها و انگیزه‌های کج‌روی و انحراف در فضاهاى شهری می‌نماید (ذوالفقاری و شایگان، ۱۳۹۰: ۱۰).

اکولوژی اجتماعی

در سال ۱۹۸۳، تحقیقی جامع از سوی دات و ونوگوپال در خصوص جرائم در شهرهای کشور هند صورت گرفت دات و ونوگوپال (۱۹۸۳). در این تحقیق به دلیل ماهیت خاص کشور هند و تنوع فرهنگی آن، مناطق خرده‌فرهنگی^۱ را مورد تأکید ویژه قرار دادند و با در نظر گرفتن نقش مرکزی برای جرائم مرتبط با خشونت به این نتیجه رسیدند که وقتی یک شهر به‌عنوان مرکز جرائم خشونت‌آمیز شناخته شود، سایر جرائم نیز در آن رشد نموده و ازدیاد می‌یابند؛ یعنی وقتی جوی از جرم و خشونت در یک پهنه حاکم می‌شود، خودبه‌خود زمینه برای دیگر جرائم فراهم می‌شود. البته این موضوع بر این پیش‌فرض استوار است که جرم بازتولید کننده جرم است (Dutt et al., 1983: 228).

شهرها و مناطق و محلاتی از آن‌ها که شاهد تنوع قومی هستند معمولاً بافت اجتماعی ناهمگن دارند و از انسجام و همبستگی اجتماعی کمتری بهره‌مند هستند. از این رو، احتمال رخ دادن جرائم در آن‌ها بیشتر است. به‌عنوان مثال، نتیجه تحقیق سرائی و حسینی (۱۳۹۴: ۱۱۵، ۱۱۶) بیانگر این است که جرائم نزاع و درگیری بیشتر در مناطقی از شهر یزد رخ می‌دهند که پذیرای اقوام مختلف به‌ویژه اتباع افغان است.

البته علاوه بر تنوع قومی، پایین بودن سطح تحصیلات و بیکاری نیز به‌عنوان عوامل اجتماعی زمینه‌ای در نظر گرفته می‌شوند (نبوی رستاقی و همکاران، ۱۳۹۷: ۱۴۰). با این حال باید دقت نمود که سطح تحصیلات در ارتکاب جرائم اثری دوگانه دارد. افرادی با تحصیلات پایین‌تر در معرض جرائمی همچون نزاع هستند، اما جرائمی نظیر جعل و کلاهبرداری مالی متضمن داشتن سطح بالاتری از سواد، مهارت‌هایی نظیر کار با رایانه و هوش و زیرکی است (سرائی و حسینی، ۱۳۹۴: ۱۰۷، ۱۰۸).

محیط و امکانات کالبدی

توزیع فضایی جرم ممکن است در نتیجه شرایط محیط فیزیکی باشد. یکی از شرایطی که می‌تواند در توزیع جرم مؤثر باشد، وجود یا فقدان تجهیزات، تأسیسات و امکانات زیرساختی در شهر است. این نظریه با نظریه تناسب میزان جرم با فرصت‌های موجود برای ارتکاب جرم نیز سازگاری دارد، بدین معنی که مجرمان گرایش به این دارند که فضایی متناسب با جرم برای خود پیدا کنند. چنین فضایی معمولاً ارتباط مستقیم با تجهیزات شهری دارد، زیرا فضاهایی که فاقد امکانات کافی زیربنایی باشند عموماً کمتر تحت نظر و محافظت بوده و درجه اهمیتشان نیز برای مدیران شهری کمتر است. حسینی و کاملی (۱۳۹۶: ۲۱۶) بر این باور هستند که ساختار نامناسب شهری در محلات رابطه مستقیمی با به وجود آمدن ناامنی در شهرها دارد. در واقع، گونه‌هایی از بستر فضایی وجود دارند که ارتکاب جرائم را تسهیل و تشدید می‌کنند. چنین فضاهایی ممکن است با عنوان «مولد جرم^۱» یا «جاذب جرم^۲» شناخته شوند که اگرچه مکانیزم‌های متفاوتی دارند، هر دو شاهد تعداد بالایی از جرائم هستند. بسیاری از تحقیقات این موضوع را تأیید نموده‌اند که وجود یا فقدان برخی امکانات زیربنایی مانند ایستگاه حمل و نقل عمومی، پارک یا امکان تهیه مواد مخدر و مشروبات الکلی بر میزان ارتکاب جرم در یک منطقه تأثیرگذار است.

نتایج تحقیق هه و همکاران (۲۰۲۰) در شهر فیلادلفیا در جنوب ایالت پنسیلوانیای آمریکا نشان می‌دهد که رخداد برخی از جرائم به‌طور جدی به تجمع افراد وابسته است. بر همین اساس، جرم سرقت در مجاورت امکانات زیرساختی غیرمسکونی مانند مدرسه، مراکز تجاری و پارک که خوشه‌ای از جمعیت ایجاد می‌کنند بیشتر است. پس در این حالت، وجود این امکانات با افزایش جرم همبستگی دارد. همچنین، بیمارستان‌ها مکان‌هایی مناسب برای مجرمان محسوب می‌شوند و فرصت‌های خوبی در اختیار آن‌ها قرار می‌دهند، زیرا اولاً عمدتاً در مکان‌های شلوغ و پرتراکم مرکزی شهر واقع هستند و ثانیاً، افراد بیمار به دلیل ضعف فیزیکی طعمه مناسب‌تری هستند.

1. Crime Generator
2. Crime Attractor

با این حال، برخی از تجهیزات که از جنس امکانات تأسیساتی هستند معمولاً همبستگی منفی با رخداد جرم دارند. به عنوان مثال، ژو و همکاران (۲۰۱۸) ارتباط میزان جرائم با روشنایی خیابان‌ها را در شهر دیترویت در ایالات میشیگان آمریکا مورد بررسی قرار دادند. نتایج تحقیق آن‌ها نشان می‌دهد که در حالت کلی، جرائم بیشتر در مکان‌هایی رخ می‌دهند که از روشنایی کمتری بهره‌مند هستند.

این همبستگی‌ها بدین معنی نیست که جرم فقط در چنین مناطقی رخ می‌دهد، زیرا جرم پدیده‌ای پیچیده است و ابعاد گوناگون دارد. نمی‌توان به قطعیت گفت که وجود یا عدم وجود برخی از امکانات و تجهیزات شهری در وقوع یا جلوگیری از وقوع جرم مؤثر است، اما هه و همکاران (۲۰۲۰) بر این باور هستند که چگونگی ترکیب و مجاورت تجهیزات، تأسیسات و امکانات شهری در کنار هم و به عبارتی، پیکربندی آن‌ها می‌تواند در ازدیاد یا کاهش جرم مؤثر باشد.

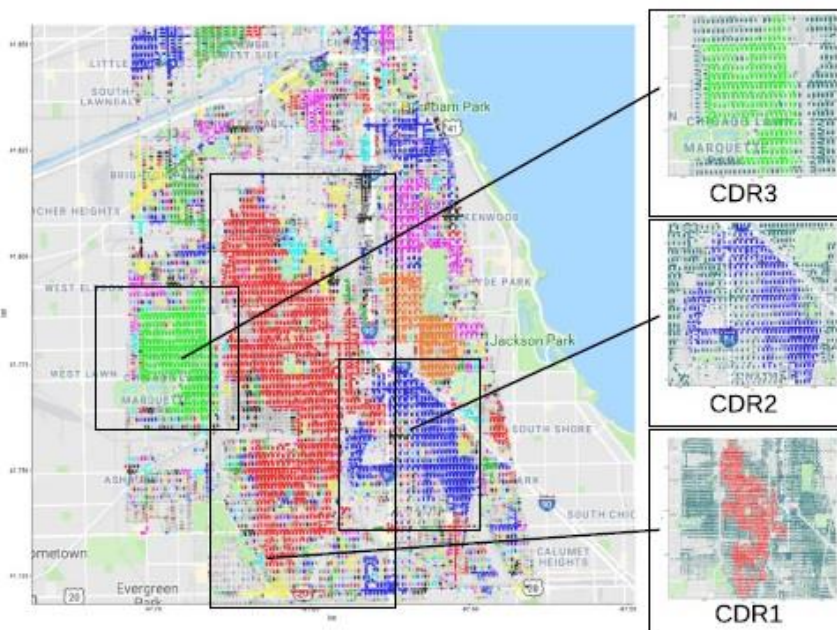
ظهور کانون‌های جرم‌خیز

اصطلاح مکان یا کانون جرم‌خیز برای توصیف یک مکان با میزان بالای جرم و بزهکاری است که می‌تواند شامل یک خیابان، یک محله یا حتی یک شهر باشد. برای اینکه یک جرم رخ بدهد، سه عنصر زمانی و مکانی مورد نیاز هستند: فردی با انگیزه ارتکاب جرم، هدف دارای جذابیت برای مجرم و فقدان نگهداری و کنترل مناسب.

چنان‌که در بخش قبلی ذکر شد، برخی از مناطق شهری به گونه‌ای شکل گرفته‌اند که این سه عنصر در آن‌ها امکان بیشتری برای تقارن دارند، از این رو مولد یا جاذب جرم هستند. منظور از نقاط مولد جرم مکان‌هایی هستند که تعداد زیادی از افراد (مشمول بر مجرمان) در آن‌ها تجمع دارند، مانند ایستگاه اتوبوس یا مترو. مجرمان بالقوه در چنین مکان‌هایی فرصت‌های ارتکاب جرم را شناسایی نموده و از آن بهره می‌گیرند. برعکس، نقاط جاذب جرم به آن مکان‌هایی گفته می‌شود که فرصت‌هایی برای جرم را در اختیار مجرمان بالقوه قرار می‌دهند، در نتیجه آن‌ها را به سمت خود جذب می‌کنند، مانند کوچه‌های تاریک واقع در بافت فرسوده شهری؛ بنابراین، عنصر اصلی در نقاط مولد جرم،

وجود مجرم و قربانی است، درحالی‌که فقدان کنترل و نگهداری مناسب می‌تواند به‌عنوان عنصر اصلی در نقاط جاذب جرم شناخته شود (He et al., 2020).

کلاتری و همکاران (۱۳۹۷) با بررسی کانون‌های جرم‌خیز در منطقه ۱۱ و ۱۲ شهر تهران، منشأ بزهکاری را در ساختارهای اجتماعی و اقتصادی و نابسامانی‌های حاصل از آن‌ها جستجو نمودند و بیان کردند که وجود بستر زمانی و مکانی مناسب برای جرم و تکرار آن، به‌مرور زمان یک محیط جغرافیایی را به کانون جرم‌خیز تبدیل می‌نماید. از این‌رو، ویژگی‌های ساختاری محیط شهری در بروز جرائم بسیار مؤثر است و ایجاد اصلاحات در شرایط محیطی می‌تواند منجر به تغییر در الگوهای رفتاری مجرمان شود. آن‌ها کیفیت زندگی را عامل مهمی در کنترل اجتماعی و ایجاد حس امنیت در شهروندان دانستند و اصلاح فضاهای بی‌دفاع شهری را در کاهش نرخ شکل‌گیری کانون‌های جرم مؤثر تلقی نمودند.

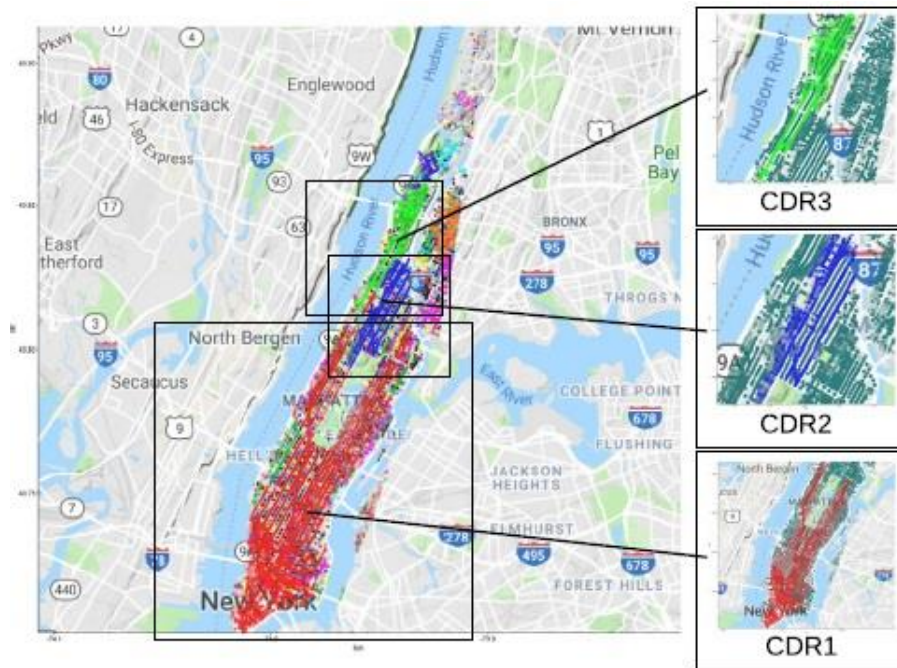


شکل ۳. تراکم جرم در شهر شیکاگو (Catlett et al., 2019:68)

در پژوهش انجام گرفته توسط کنتلت و همکاران (۲۰۱۹) نقاط داغ جرم^۱ در نیویورک و شیکاگو، دو کلان‌شهر بزرگ در ایالات متحده آمریکا با استفاده از یک الگوریتم شناسایی شدند. مطابق با این الگوریتم، ۸ منطقه به‌عنوان مناطق جرم‌خیز در شهر شیکاگو شناسایی شدند. چنان‌که در شکل شماره ۳ مشخص شده است، محدوده بزرگی از نواحی مرکزی شهر (با رنگ قرمز و عنوان CDR^۲1) به‌عنوان بزرگ‌ترین کانون جرم مشخص شده است. مناطق مشخص شده با عنوان CDR2 و CDR3 مناطقی هستند که از نظر جرم‌خیزی در رتبه بعدی قرار دارند.

پیاده‌سازی همین روش در شهر نیویورک نیز مشخص می‌نماید که مناطق میانی شهر و نواحی جنوبی منهتن (مشمول بر مرکز تجاری شهر) به‌علاوه ۶ ناحیه کوچک دیگر در مناطق شمالی شهر، کانون‌های اصلی جرم هستند. شکل شماره ۴ این نواحی را ترسیم می‌کند. همان‌طور که در این تصویر مشخص است، بخشی که به رنگ قرمز در آمده است و شامل مرکز و جنوب منهتن می‌شود به‌عنوان بزرگ‌ترین تجمع جرم‌خیزی در شهر شناخته می‌شود و در مجاورت با مناطق CDR2 و CDR3 قرار دارد که در رتبه بعدی جرم‌خیزی هستند.

1. Crime Hotspots
2. Crime Dense Region



شکل ۴. تراکم جرم در شهر نیویورک (Catlett et al., 2019:71)

نتایج تحقیق نصیری و همکاران (۱۳۹۳: ۱۷۱) در شهر قزوین نشان می‌دهند که انجام اعمال مجرمانه و محیط شهری ارتباط معناداری با هم دارند و مناطق مرکزی این شهر به دلیل قشربندی اجتماعی خاص شهر و وجود فضاهای بی‌دفاع به مکان‌های جرم‌خیز تبدیل شده‌اند. شجاعیان و همکاران (۱۳۹۵: ۶۵) نیز با بررسی سرقت مسلحانه در کلان‌شهر اهواز به نتایج مشابهی رسیده‌اند و محدوده‌ی مرکزی شهر را به‌عنوان کانون جرم‌خیز شناسایی نموده‌اند. در تحقیقی دیگر که در شهر اردبیل انجام گرفته، مشخص شده است که دو مجموعه محل با عنوان محله‌های حاشیه‌نشین و محله‌های هسته مرکزی این شهر دارای میزان بالاتری از جرم‌خیزی بوده و کانون‌های جرم را شکل می‌دهند. علت این موضوع به ویژگی‌های فیزیکی این محلات با بافت ارگانیک آشفته مشتمل بر کوچه‌های تنگ و باریک و در نتیجه راه‌های درروی فراوان نسبت داده شده است و بازطراحی فضایی به‌منظور امکان نظارت ساکنان محله، دیدن و دیده شدن توسط آن‌ها به‌عنوان عاملی مهم

در افزایش نظارت بر فضاهاى مخفی به منظور کاهش ریسک جرم تشخیص داده شده است. توانمندسازی ساکنان محله‌ها به‌ویژه در مناطق حاشیه‌نشین، بازطراحی و بهسازی محلات با بافت ارگانیک و افزایش حس تعلق اجتماعی از جمله عواملی هستند که به منظور کاهش تمرکز جرم در مناطق کانونی در شهر اردبیل پیشنهاد شده‌اند (یزدانی و همکاران، ۱۳۹۷: ۱۶۰). این عوامل را می‌توان به‌عنوان عواملی که در برنامه‌ریزی آتی برای کلان‌شهرها و شهرهایی با ظرفیت ظهور نقاط کانونی جرم در نظر گرفت.

بحث و نتیجه‌گیری؛ مقایسه و تطبیق وضعیت در ایران و دیگر کشورها

شناسایی توزیع فضایی و پراکندگی جغرافیایی جرائم و تحلیل‌های حاصل از داده‌های توزیع جرم به مدیران شهری کمک شایانی در برنامه‌ریزی برای توزیع منابع و چگونگی تخصیص آن‌ها در طرح‌های آتی توسعه شهری می‌نمایند. بررسی وضعیت توزیع و پراکندگی جغرافیایی جرائم در ایران و دیگر نقاط جهان با رویکرد مقایسه‌ای هم از منظر روش و دامنه تحقیقات صورت گرفته در داخل و خارج از کشور و هم از منظر نتایج به‌دست‌آمده حائز اهمیت است.

از منظر شیوه و دامنه کار پژوهشی باید گفت که تحقیقات صورت گرفته در ایران محدود به مضامین و متغیرهای خاص با داده‌های کاملاً مشخص و قابل دسترس - نظیر بررسی پراکندگی جرم سرقت - در گستره جغرافیایی یک شهر یا مناطق داخل آن شهر می‌شوند. این در حالی است که برخی از تحقیقات صورت گرفته در نقاط دیگر جهان با ترکیب نمودن متغیرهای متنوع نظیر توزیع فصلی^۱ و توزیع جغرافیایی جرائم (مانند: Linning et al., 2015; Valente, 2019) به نتایج جالب‌تر و جامع‌تری می‌رسند و برخی دیگر نیز پژوهش را در محدوده دو یا چند شهر گسترش می‌دهند (مانند: Hipp et al., 2017; Catlett et al., 2019) که از این طریق، هم بر اعتبار نتایج افزوده می‌شود و هم بستری برای تحلیل تطبیقی و مقایسه‌ای فراهم می‌آورد. در مجموع، می‌توان گفت پژوهش‌های داخلی هم از منظر مبانی نظری، هم روش‌ها و تکنیک‌های به کار گرفته و هم

عوامل مورد تأکید در قیاس با تحقیقات خارجی سنتی‌تر، جزم‌گرا و تکرار شونده هستند و در آن‌ها افق‌گشایی و تمرکز بر رویکردها و عملکردهایی که منجر به ارائه راه‌حلی بدیع کمتر دیده می‌شود.

از منظر نتایج حاصل شده از تحقیقات مختلف، چند نکته مهم قابل توجه و اعتنا هستند: تراکم جمعیت در ایران در مجموع به‌عنوان عاملی مهم برای افزایش نرخ جرائم در نظر گرفته شده است (مافی، ۱۳۷۸؛ بیانلو و منصوریان، ۱۳۸۵؛ شاه‌یوندی و همکاران، ۱۳۸۸؛ محسن‌زاده هریس و فرجی‌راد، ۱۳۹۳؛ حدیدی و همکاران، ۱۳۹۴)، زیرا عموماً یا با پدیده مهاجرت همراه است و از آن تأثیر می‌پذیرد که منجر به تغییر در ساختار فضایی و فرهنگی محلات شده و هویت محله‌ای و همبستگی اجتماعی را از بین می‌برد، یا با بافت قدیمی و فرسوده شهری ملازم است که عموماً در مناطق مرکزی و هسته اولیه شکل‌گیری شهر واقع می‌شود؛ اما در تحقیقات خارجی، مواجهه با این پدیده نسبی‌تر است، زیرا تراکم جمعیتی از سویی می‌تواند در صورت حفظ ساختار زیستی - کالبدی محلات و تحکیم تعامل میان ساکنان محله و فضاها، کوچک شهری منجر به ارتقای امنیت عمومی شده و از رخ دادن جرائم جلوگیری کند و در غیر این صورت به دلیل ایجاد فرصت‌های بیشتر برای مجرمان منجر به افزایش نرخ جرم شود؛ بنابراین، در شهرهایی که تراکم جمعیتی و ساختمانی در آن‌ها ناشی از هویت و کارکرد ذاتی محله و یا تراکم‌های مبتنی بر تمهیدات مؤثر برنامه‌ریزی و طراحی شهری بوده - نه هجوم و اسکان بی‌برنامه جمعیت - این فرصت برای برنامه‌ریزان و مدیران شهری وجود دارد که از امکان بالقوه همبستگی اجتماعی برای ارتقای امنیت محله و شهر استفاده نمایند.

در خصوص تأثیر عامل اکولوژی و بستر اجتماعی - فرهنگی جرائم نیز در نقاط مختلف جهان اشتراکاتی دیده می‌شود. از جمله مهم‌ترین زمینه‌های رواج جرم در یک منطقه خاص، اختلاط و امتزاج فرهنگی برنامه‌ریزی نشده در آن منطقه است به گونه‌ای که پیش از استقرار افرادی از قومیت‌ها یا گرایش‌های فرهنگی متفاوت، زیرساخت‌های رفاهی و تعاملات اجتماعی در آن منطقه ایجاد نشده باشد. در چنین شرایطی، کنار هم قرار گرفتن افراد به دلیل محدود بودن منابع و منافع به جدل و تعارض برای تصاحب آن‌ها تبدیل شده و

به عبارتی، تساهل و رواداری جای خود را به تقابل و تضاد می‌دهد. در این موقعیت، افراد برای تملک سهم بیشتری از منابع به روش‌های غیرقانونی و حتی غیراخلاقی دست می‌یازند و بدین گونه، تعداد جرائم رخ داده در منطقه افزایش می‌یابد. همچنین، علاوه بر اثر مستقیم بر افزایش میزان جرائم، ناهمگونی قومیتی و بی‌سازمانی اجتماعی منجر به افزایش میزان ترس از جرم در ساکنان محلات می‌شود (احمدی و عربی، ۱۳۹۲: ۵۳). این حس ترس در بلندمدت می‌تواند منتج به رفتاری شود که بر هم زننده کل اجتماع است (احمدی و همکاران، ۱۳۸۸: ۶۶) و نهایتاً منجر به تخلیه و ترک محله توسط افراد آسیب‌پذیرتر یا توانمندتر شده و آنجا را به فضای بی‌دفاع و کانون جرم تبدیل نماید. یکی دیگر از عوامل مشترک زمینه‌ساز جرم در تمامی نقاط جهان فقر است. به‌عنوان نمونه، تحقیق اسپارکز (۲۰۱۱: ۳۰۷) در شهر سن‌آنتونیو در آمریکا نشان می‌دهد در برخی مناطق شهری که نسبت بیشتری از جامعه زیرخط فقر هستند احتمال بیشتری برای رخ دادن جرم وجود دارد. تفاوت سکونتگاه‌ها و محلات مختلف در میزان برخورداری از امکانات و تسهیلات شهری نیز زمینه‌ساز بروز نابرابری اجتماعی میان این محله‌ها و ساکنان آنها است (اکبری و همکاران، ۱۳۹۵: ۳۱۶)؛ بنابراین، توجه به این عامل در برنامه‌ریزی شهری برای شهرهایی که ویژگی نابرابری در آنها محسوس است، بسیار ضروری و حائز اهمیت است. با همه این تفاسیر، ویژگی‌های بسترساز فرهنگ در همه‌ی نقاط جهان یکسان نیست. بعضی از عوامل زمینه‌ای به ویژگی‌های فرهنگی مشتمل بر جهان‌بینی، سبک زندگی و آزادی‌های اجتماعی مرتبط هستند. به‌عنوان مثال، مصرف آزاد مشروبات الکلی و مواد مخدر در برخی جوامع می‌تواند بسترساز جرائم خشونت‌آمیز باشد. مطابق با پژوهش نلسون (۲۰۰۱: ۲۵۴) در شهرهای کاردیف و ورکستر در کشور ولز، جرم خشونت در خیابان‌های مرکزی شهرها بیشتر در ایام آخر هفته یعنی از ساعت ۶ عصر جمعه تا ۶ صبح دوشنبه رخ می‌دهد و اکثر مجرمان افرادی هستند که الکل مصرف نموده‌اند.

ارتباط معناداری میان کیفیت محیط زندگی، سطح رفاه و توسعه‌یافتگی با میزان ارتکاب جرم وجود دارد. تقوایی و همکاران (۱۳۸۸: ۳۶) نشان دادند در مناطقی که کیفیت سکونتگاه پایین‌تر بوده و محیط کالبدی نابسامان است، میزان جرائم نیز بالاتر بوده است.

افرادی که در این مناطق ساکن هستند عمدتاً افرادی هستند که به دلیل عدم آشنایی با هرگونه حرفه و تخصص جذب اقتصاد شهر نمی‌شوند، از سطح درآمدی پایین‌تری بهره می‌برند و متعاقباً به مشاغل غیررسمی روی می‌آورند. این گروه اگر توانمند نشده و توسط بخش مولد اقتصاد جذب نشوند، جبراً به سمت جرائمی مانند سرقت و خشونت گرایش پیدا می‌کنند. اگرچه این موضوع جهانی است، اما در جوامع توسعه‌یافته‌تر، این ارتباط در سطح بالاتری دیده می‌شود. اسپارکر (۲۰۱۱) در بررسی توزیع اپیدمولوژیک جرم در شهر سن آنتونیو، همبستگی میان سلامت و مشکلات اجتماعی را در نظر گرفته است. پژوهش هیپ و همکاران (۲۰۱۷) به منظور بررسی جرم در مناطق مختلف چهار شهر بزرگ آمریکا (لس آنجلس، ساکرامنتو، سن فرانسیکو و هانولولو)، ناهمگونی نژادی^۱ و ثبات سکونت^۲ را به عنوان متغیرهای مؤثر در نظر گرفته است. در مجموع به نظر می‌رسد توسعه‌یافتگی و میزان ارتکاب جرم کاملاً همبسته هستند، اما توسعه‌یافتگی در نقاط مختلف جهان سطوح و جنبه‌های متفاوتی دارد. اختلاف سطح توسعه ملی، منطقه‌ای و شهری باعث تفاوت میان متغیرهای اثرگذار بر جرم می‌شود. جایی که توسعه در مرحله ایجاد زیرساخت‌های اقتصادی و صنعتی باشد، متغیرهایی مانند کیفیت اقتصادی زندگی بر میزان جرائم اثرگذارتر هستند؛ اما به مرور و گذر از مراحل اولیه رشد و توسعه، اثرگذاری متغیرهای فرهنگی در ارتکاب جرم محسوس‌تر می‌شود. علیرغم اهمیت این موضوع، فقدان پژوهش‌های جامع که ارتباط توسعه شهری و پراکنندگی جرائم را بررسی کنند مشهود است. به نظر می‌رسد این موضوع از نظر محققان باز مانده است.

به نظر می‌رسد در تحقیقات خارجی، محققان از القای برچسب جرم به مکان و انتساب یک الگوی مشخص برای ارتکاب جرائم خودداری می‌کنند و مکان را صرفاً در قالب مورد فرصت ارتکاب جرم می‌شناسند و نه عامل آن. این موضوع در رویکرد فرآیندی به جرم بیشتر مشهود است. در چنین رویکردی، پتانسیل مهاجم یا مجرم هم‌زمان با قربانی جرم و وضعیت نیروهایی که نقش محافظ در مقابل وقوع جرم دارند، بررسی

1. Racial Heterogeneity

2. Residential Stability

می‌شود (Hipp, 2016:2)؛ بنابراین آنچه در برنامه‌ریزی برای شهرها اهمیت دارد این است که از هم‌زمانی این عوامل جلوگیری شود. نتایج تحقیق دی‌ملو و همکاران (۲۰۱۵) در شهر کامپیناس برزیل نشانگر این هستند که مشابهت در الگوهای فضایی جرائم مختلف در نقاط گوناگون این شهر یکسان نیست. البته با در نظر گرفتن برخی خیابان‌ها به‌عنوان جامعه آماری و مقایسه آن‌ها برخی مشابهت‌های اولیه دیده می‌شود، اما در سطحی فراتر امکان استخراج الگو در آن‌ها وجود نداشته است. در واقع، برخی جرائم به‌طور متمرکز در نواحی خاصی از شهر رخ می‌دهند اما مشابهتی با جرائم دیگر که در نقطه دیگری از شهر متمرکز هستند نشان نمی‌دهند. البته والنته (۲۰۱۹) در بررسی توزیع فضایی و زمانی جرم خشونت در شهری دیگر در برزیل یعنی فلورینوپرس نیز به نتایج مشابهی رسیده است. شاید این موضوع را بتوان به ماهیت و سبک زندگی در آمریکای جنوبی نسبت داد؛ اما این ویژگی‌های خاص و متباین الزام تحقیقات بیشتر در این زمینه را روشن‌تر می‌نمایند. اجتناب از نتیجه‌گیری عجولانه و برجسب‌زنی، فرصت مطالعه و پژوهش بیشتر را فراهم می‌کند. در واقع وقتی مکان با برجسب «مکان جرم» معین شود، ناخودآگاه ساکنان آن مکان نیز از منظر افکار عمومی مجرم تلقی می‌شوند، متعاقباً نیروهای امنیتی و انتظامی با آن مکان و ساکنان آن به شیوه‌ای مجرمانه برخورد می‌کنند و نتیجه‌ی این طرز تلقی و برخورد می‌تواند یا منجر به خروج افراد از آن مکان شده و آنجا را به بستری برای جرم‌خیزی بیشتر تبدیل کند، یا در صورت تداوم حضور فرد، او را به‌سوی ارتکاب جرائم و پذیرش برجسب مجرم سوق دهد. از این‌رو، لازم است محققان در استخراج و تعمیم الگوی خاص جغرافیایی - اجتماعی برای جرائم شهری و تحلیل فضایی - مکانی وقوع جرم برحسب مکان‌ها و بافت‌های شهری به‌عنوان مبنایی برای سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی‌های شهری احتیاط و دقت علمی بیشتری به خرج داده کرده و از تجویزهای عام و بی‌توجه به زمینه‌ها نهادی و شرایط متنوع فضایی که خود به سخت‌تر شدن زندگی گروه‌های آسیب‌پذیر و آسیب‌دیده شهری منجر می‌شود اجتناب کنند.

در نهایت ضروری است تا چارچوبی از الزامات فضایی - اجتماعی برای پیشگیری و مواجهه با جرائم در کلان‌شهرها و شهرهای بزرگ در برنامه‌ریزی و طراحی‌های شهری در مقیاس‌های متنوعی از خرده‌فضاهای شهری تا سازمان فضایی کل شهر و منطقه شهری تدوین شده و ملاک عمل نهادهای مسئول مدیریت و امنیت شهری قرار گیرد. در همین چارچوب و بر مبنای ترکیب تفسیری صورت گرفته در این پژوهش، الزامات کلی ذیل به‌عنوان درون‌مایه جرم‌زدایی در برنامه‌ریزی برای شهرهای مذکور پیشنهاد می‌شوند:


- سازمان‌دهی فضایی و برنامه‌ریزی کاربری اراضی به‌گونه‌ای که جمعیت و فعالیت را به‌ویژه در بافت‌های نوساز شهری بر مبنای اختلاط مکانی - زمانی کاربری‌ها توزیع نموده و از تراکم بیش و کمتر از حد جمعیت و ساختمان و شکل‌گیری فضاهای بی‌دفاع و فرصت‌ساز جرم و بزهکاری جلوگیری نماید.
- اتخاذ رویکرد منطقه‌ای در برنامه‌ریزی و لحاظ نمودن پتانسیل‌های جرم‌زایی و جرم‌زدایی ناشی از حرکت‌های خزشی و جهشی از مرکز شهر به محدوده‌های پیراشهری و کلان‌شهری
- شناسایی و بهره‌گیری از فرصت‌های کاهش جرم از طریق برنامه‌ریزی و بهره‌برداری از محیط‌های کالبدی-اجتماعی مانع شکل‌گیری فرصت و انگیزه‌های بروز جرم
- تقویت و ترویج فضاها، فعالیت‌ها و رفتارهای محله‌ای متناسب با گونه‌های مختلف محلات شهری اعم از محلات تاریخی، معاصر و متعارف، معاصر و غیرمتعارف و مانند آن‌ها باهدف تثبیت و پرهیز از جابجایی ساکنان محلات و استفاده از نظارت اجتماعی و اعتماد همسایگی به‌عنوان عامل کنترلی و بازدارنده جرائم
- تدوین برنامه‌های آموزش عمومی و توانمندسازی تخصصی به‌صورت عادلانه در مناطق و طبقات مختلف جامعه به‌علاوه توسعه برنامه‌های کارآفرینی اجتماعی
- توسعه متوازن زیرساخت‌های شهری و محیط کالبدی در نواحی گوناگون شهری باهدف برقراری عدالت در برخورداری از امکانات شهری به‌ویژه در نواحی حاشیه‌ای و سکونتگاه‌های غیررسمی

- توسعه فضاهای شهری عمومی باهدف برقراری تعاملات اجتماعی-فرهنگی تقویت‌کننده‌ی همبستگی اجتماعی نظیر فرهنگسراها و سرای محلات
- شناسایی دقیق نقاط مولد و جاذب جرم و بهبود وضعیت فیزیکی-اجتماعی این مناطق از طریق ترکیب برنامه‌ریزی فضایی، آموزشی، کارآفرینی با برنامه‌های انتظامی و کنترلی در افق میان‌مدت و بلندمدت
- اجتناب از برجسب‌زنی و رواج شهرت و آوازه منفی برای محدوده‌های شهری خاص و اجتناب از نهادینه شدن تصویر و تصور منفی و جرم خیز از آن‌ها

سپاسگزاری

این پژوهش هیچ حامی مالی نداشته است. پژوهشگران مایل هستند از دانشگاه علامه طباطبائی به دلیل فضای علمی-پژوهشی آن تقدیر و تشکر به عمل آورند.

ORCID

Gholamreza Kazemian  <http://orcid.org/0000-0003-1708-5736>

Jamshid Akbari  <http://orcid.org/0000-0002-6822-1825>

منابع

- احمدی، حبیب، سروش، مریم و افراسیابی، حسین (۱۳۸۸). ترس از جرم در مناطق جرم‌خیز شهر شیراز. *جامعه‌شناسی کاربردی*، سال بیستم، ۲ (۳۴)، ۶۵-۸۰.
- احمدی، حبیب و عربی، علی (۱۳۹۲). رابطه بین ساختار محله‌ای و ترس از جرم (مطالعه موردی: شهر کرج). *فصلنامه پژوهش‌های انتظام اجتماعی*، ۵ (۱)، ۳۷-۶۰.
- ارغان، عباس (۱۳۹۵). تحلیل و بررسی جغرافیایی جرم و بزهکاری در کاربری‌های شهری (مطالعه موردی: شهر رباط کریم). *پژوهشنامه جغرافیای انتظامی*، ۴ (۱۴)، ۱۱۱-۱۳۸.
- اشکیتی، سارا و خداکرمی، نبی (۱۳۹۸). بررسی جغرافیای جرم در کلان‌شهرهای ایران: مطالعه موردی شهر تهران. *فصلنامه علمی-پژوهشی نگاه نو در جغرافیای انسانی*، ۱۲ (۱)، ۷۰۵-۷۲۳.
- اکبری، امین، ملکی، امیر، زاهدی، محمدجواد و رستمی، شاه‌بختی (۱۳۹۵). تحلیل فضایی-جامعه‌شناختی جرم سرقت از منزل در کرمانشاه. *مطالعات و تحقیقات اجتماعی در ایران*، ۵ (۲)، ۲۹۵-۳۱۸.
- بازرگان، مهدی، رهنما، محمدرحیم، اجزاء شکوهی، محمد و زرقانی، سیدهادی (۱۳۹۶). شناسایی و تحلیل فضایی کانون‌های جرم‌خیز سرقت در کلان‌شهر مشهد. *مجله پژوهش‌های جغرافیایی سیاسی*، ۲ (۴)، ۲۱-۴۶.
- بیانلو، یوسف و منصوریان، محمدکریم (۱۳۸۵). رابطه تراکم جمعیت با میزان و نوع جرم. *فصلنامه علمی-پژوهشی رفاه اجتماعی*، ۶ (۲۲).
- پازکی، معصومه، شیخی، داوود و یوردخانی، مختار (۱۳۹۵). عوامل مؤثر بر میزان افزایش جرم در سکونتگاه‌های غیر رسمی (مطالعه موردی: شهر پاکدشت). *فصلنامه آمایش محیط*، ۴۱، ۱۳۹-۱۶۰.
- پوراحمد، احمد، رهنمایی، محمدتقی و کلانتری، محسن (۱۳۸۲). بررسی جغرافیایی جرائم در شهر تهران. *پژوهش‌های جغرافیایی*، ۴۴، ۸۱-۹۸.
- پورموسوی، سید موسی، زنگنه شهرکی، سعید، احمدی‌فرد، نرگس و عبدی، ناصح (۱۳۹۰). تأثیر بلندمرتبه‌سازی بر میزان جرائم شهری، مطالعه موردی: مناطق ۲۲ گانه شهر تهران. *فصلنامه پژوهش‌های جغرافیای انسانی*، ۷۷، ۶۱-۷۳.
- تقوایی، مسعود، ضرابی، اصغر و مغانی رحیمی، بهنام (۱۳۸۸). بررسی عوامل مؤثر بر میزان جرم در مناطق مختلف شهر شیراز، *فصلنامه علوم اجتماعی*، ۴۸، ۱-۴۱.

بررسی تطبیقی توزیع فضایی جرم در محدوده‌های شهری و...؛ کاظمیان و اکبری | ۸۳

حدیدی، مسلم، حامد، بیتا، نادری، کاوه و قزوینه، ژیلا (۱۳۹۴). بررسی و تحلیل پراکنش مکانی-فضایی جرم‌خیزی در محله‌های شهر کرمانشاه با استفاده از GIS. *پروژه‌نامه جغرافیای انتظامی*، ۳(۱۱)، ۱۳۳-۱۵۸.

حسینی، سیدباقر و کاملی، محسن (۱۳۹۶). عوامل محیطی مؤثر بر وقوع جرائم شهری (جرم سرقت)- مطالعه موردی: منطقه ۱ و ۷ شهر قم. *جغرافیا (فصلنامه علمی-پژوهشی و بین‌المللی انجمن جغرافیای ایران)*، دوره جدید، ۱۵ (۵۳)، ۲۰۵-۲۱۸.

ذوالفقاری، حسین و شایگان، فریبا (۱۳۹۰). بررسی جغرافیای جرم در شهر تهران. *فصلنامه نظم و امنیت انتظامی*، ۲ (۴)، ۱-۲۷.

زنگی آبادی، علی و رحیمی نادر، حسین (۱۳۸۹). تحلیل فضایی جرم در شهر کرج (با استفاده از GIS). *فصلنامه حقوق: مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی*، ۴۰ (۲)، ۱۷۹-۱۹۸.

سرائی، محمدحسین و حسینی، سید مصطفی (۱۳۹۴). تحلیل فضایی-مکانی جرم در شهر یزد. *پروژه‌نامه جغرافیای انتظامی*، ۳ (۹)، ۹۳-۱۲۰.

شاهوندی، احمد، رئیسی وانانی، رضا و شیخی، حجت (۱۳۸۸). تحلیلی بر توزیع فضایی جرائم در مناطق شهر اصفهان. *فصلنامه دانش انتظامی*، ۱۱ (۴)، ۱۵۳-۱۸۲.

شجاعیان، علی، آدینه‌وند، محمد، آزادبخت، مریم و عیبات، نورا (۱۳۹۵). شناسایی و پهنه‌بندی کانون‌های وقوع جرم (سرقت مسلحانه) شهر اهواز بین سال‌های ۱۳۹۰ تا ۱۳۹۳. *پروژه‌نامه جغرافیای انتظامی*، ۴ (۱۶)، ۴۹-۷۰.

شفیعا، سعید، شفیعا، محمدعلی و کاظمیان، غلامرضا (۱۳۹۲). فراتحلیل روش و نتایج پژوهش‌های کیفیت زندگی شهری در ایران. *جامعه‌شناسی کاربردی*، ۲۴ (۵۰).

کاظمیان، غلامرضا، قربانی زاده، وجه ا... و موسوی، سیدمحمدجواد (۱۳۹۶). ارزیابی نقش مدیریت شهری در کنترل پیامدهای رشد صنعت نفت و گاز در شهر عسلویه. *برنامه‌ریزی رفاه و توسعه اجتماعی*، شماره ۳۰.

کاظمیان، غلامرضا و شفیعا، سعید (۱۳۹۳). بررسی رابطه سرمایه اجتماعی ساکنان با پایداری توسعه در محله غیررسمی شمیران نو. *علوم اجتماعی*، ۱۱ (۲).

کلانتری، محسن، پوراحمد، احمد، ابدالی، یعقوب و الله‌قلی‌پور، سارا (۱۳۹۷). تحلیل فضایی کیفیت زندگی در کانون‌های جرم‌خیز (مطالعه موردی: بخش مرکزی شهر تهران). *پروژه‌نامه جغرافیای انتظامی*، ۶ (۲۱)، ۱-۳۰.

- کمالی، یحیی (۱۳۹۷). روش‌شناسی فراترکیب و کاربرد آن در سیاست‌گذاری عمومی. فصلنامه سیاست، ۴۷ (۳).
- مافی، عزت‌اله (۱۳۷۸). جغرافیای تطبیقی پاتولوژی شهری (وین-مشهد). فصلنامه تحقیقات جغرافیایی، شماره پیاپی ۵۲ و ۵۳، ۱۳۲-۱۴۲.
- محسن‌زاده هریس، بلال و فرجی‌راد، عبدالرضا (۱۳۹۳). تحلیل فضایی توزیع جرم در مناطق ده‌گانه شهر تبریز. فصلنامه جغرافیایی سرزمین، ۱۱ (۴۱)، ۱۷-۳۲.
- محسنی، رضا علی، معین‌فر، سجاد، معین‌فر، علی و علیزاده، پرویز (۱۳۹۶). بررسی عوامل اجتماعی مؤثر بر خشونت خیابانی (مطالعه موردی: شهر ارومیه). فصلنامه مطالعات توسعه اجتماعی-فرهنگی، ۶ (۲)، ۷۵-۱۰۱.
- محمودی جانکی، فیروز، وحید دستجردی، فاطمه و بارانی، محمد (۱۳۹۲). تأثیر مجاورت محل سکونت بر انتخاب مکان جرم (مطالعه موردی جرم سرقت در شهر تهران). فصلنامه پژوهش‌های انتظام اجتماعی، ۵ (۲)، ۶۹-۸۹.
- مدیری، آتوسا (۱۳۸۵). جرم، خشونت و احساس امنیت در فضاهای عمومی شهر. فصلنامه علمی-پژوهشی رفاه اجتماعی، ۶ (۲۲)، ۱۱-۲۸.
- مغانی رحیمی، بهنام، پورخسروانی، محسن و خداداد، مهدی (۱۳۹۶). ارزیابی توزیع فضایی و نقش محیط در وقوع جرم سرقت در مناطق چهارگانه شهر کرمان. فصلنامه پژوهش‌های انتظام اجتماعی، ۹ (۴)، ۱۱۷-۱۳۸.
- نادری، احمد، چیت‌ساز، محمدجواد و شیرعلی، ابراهیم (۱۳۹۴). فراترکیب پژوهش‌های انجام‌شده در حوزه هویت دینی. فصلنامه مطالعات ملی، ۱۶ (۳).
- نوی رستاقی، سیدجلیل، بیات، ناصر، رجبی تاج‌امیر، ابراهیم و ساداتی، سید جعفر (۱۳۹۷). تحلیل فضایی جرم کیف‌قایی در شهر ساری با استفاده از سامانه اطلاعات جغرافیایی. فصلنامه پژوهش‌های انتظام جغرافیایی، ۱۰ (۴)، ۱۲۵-۱۴۶.
- نصیری، اسماعیل، گل‌مهر، احسان و رحمانی، محمدحسن (۱۳۹۳). تحلیل فضایی جرم و مکان‌های جرم‌خیز-مطالعه موردی: بزه سرقت در شهر قزوین. جغرافیا (فصلنامه علمی-پژوهشی و بین‌المللی انجمن جغرافیای ایران)، ۱۲ (۴۳)، ۱۵۷-۱۷۶.

یزدانی، محمدحسن، فیروزی مجنده، ابراهیم و هاشمی، جواد (۱۳۹۷). بررسی الگوی پراکنش فضایی جرائم سرقت در شهر اردبیل به‌منظور شناسایی کانون جرم‌خیز سرقت. *پژوهشنامه جغرافیای انتظامی*، ۶ (۲۲)، ۱۳۷-۱۶۴.

- Ackerman, W. V. and Murry, A. T. (2004). Assessing spatial patterns of crime in Lima, Ohio. *Cities*, 21(5), 423-437.
- Anderson, E. (1999). *Code of the street: Decency, violence, and the moral life of the inner city*. New York, NY: W. W. Norton.
- Beck, C. (2002). Mothering Multiples: a Meta-Synthesis of the Qualitative Research, MCN. *The American Journal of Maternal /Child Nursing*, 28(2), 93-99.
- Burt, C. H., and Simons, R. L. (2013). Self-Control, Thrill Seeking, and Crime: Motivation Matters. *Criminal Justice and Behavior*, 40(11), 1326-1348.
- Catlett, C., Cesario, E., Talia, D., and Vinci, A. (2019). Spatio-temporal crime predictions in smart cities: A data-driven approach and experiments. *Pervasive and Mobile Computing*, 53, 62-74.
- Cohen, L. and Felson, M. (1979). Social Change and Crime Rate Trends: A Routine Activities Approach. *American Sociological Review*, 44, 588-607.
- De Melo, S. N., Matia, L. F., and Anderson, A. M. (2015). Crime concentrations and similarities in spatial crime patterns in a Brazilian context. *Applied Geography*, 62, 314-324.
- Dutt, A. K. and Venugopal, G. (1983). Spatial patterns of crime in Indian cities. *Geoforum*, 14(2), 223-233.
- Fenimore, D. M. (2019). Mapping harmspots: An exploration of the spatial distribution of crime harm. *Applied Geography*, 109.
- Hannon, L. (2002). Criminal Opportunity Theory and the Relationship between Poverty and Property Crime. *Sociological Spectrum*, 22, 363-381.
- Harries, K. (2006). Extreme spatial variations in crime density in Baltimore County, MD. *Geoforum*, 37, 404-416.
- He, Z., Deng, M., Xie, Z., Wu, L., Chen, Z., Pei, T. (2020). Discovering the joint influence of urban facilities on crime occurrence using spatial collocation pattern mining. *Cities*, 99.
- Hipp, J. R. (2016). General theory of spatial crime patterns. *Criminology*, 10, 1-27.
- Hipp, J. R., Wo, J. C., and Kim, Y-A. (2017). Studying neighborhood crime across different macro spatial scales: the case of robbery in 4 cities. *Social Science Research*. doi: <https://10.1016/j.ssresearch.2017.08.007>
- Kleck, G and Chiricos, T. (2002). Unemployment and Property Crime. *Criminology*, 40(4), 649-679.

- Linning, S. J. (2015). Crime seasonality and the micro-spatial patterns of property crime in Vancouver, BC and Orrowa, ON. *Journal of Criminal Justice*, 43, 44-555.
- McDevitt, J., Levin, J. and Bennet, S. (2002). Hate Crime Offenders: And Expanded Typology. *Social Issues*, 58(2), 303-317.
- Nelson, A. L., Bromley, R. D. F., and Thomas, C. J. (2001). Identifying micro-spatial and temporal patterns of violent crime and disorder in the British city center. *Applied Geography*, 21, 249-274.
- Quick, M., Li, G, and Brunton-Smith, I. (2018). Crime-general and crime-specific spatial patterns: A multivariate spatial analysis of four crime types at the small-area scale. *Journal of Criminal Justice*, 58, 22-32.
- Sparks, C. S. (2011). Violent crime in San Antonio, Texas: An application of spatial epidemiological methods. *Spatial and Spatio-temporal Epidemiology*, 2, 301-309.
- United Nations (2018), Department of Economic and Social Affairs. Available at: <https://www.un.org/development/desa/en/news/population/2018-revision-of-world-urbanization-prospects.html>
- Valente, R. (2019). Spatial and temporal patterns on violent crime in a Brazilian state capital: A quantitative analysis focusing on micro places and small units of time. *Applied Geography*, 103, 90-97.
- Van Dijk, J. (1994). Understanding Crime Rates: on the Interactions between the Rational Choices of Victims and Offenders. *British Journal of Criminology*, 34(2), 105-121.
- Xu, Y., Fu, C., Kennedy, E., Jiang, S., and Owusu-Agyemeng, S. (2018). The impact of street lights on spatial-temporal patterns of crime in Detroit, Michigan. *Cities*, <https://doi.org/10.1016/j.cities.2018.02.021>
- Zuckerman, M. (2007). *Sensation seeking and risky behavior*. Washington, DC: American Psychological Association.

استناد به این مقاله: کاظمیان، غلامرضا، اکبری، جمشید. (۱۴۰۱). بررسی تطبیقی توزیع فضایی جرم در محدوده‌های شهری و پیراشهری با روش فراترکیب، فصلنامه برنامه‌ریزی توسعه شهری و منطقه‌ای، ۲۲(۲)، ۴۵-۸۶.
DOI: 10.22054/urdp.2022.60525.1322



Urban and Regional Development Planning is licensed under a Creative Commons Attribution-NonCommercial 4.0 International License...